

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

شنبه ۷ مردادماه ۵۹ شماره ۸۳ تکمیل ۱۰ ریال

رهنمودهایی
درباره
کارسیاسی
وسازماندهی
در میان
کارگران

در صفحه ۴

چه باید کرد؟ (۲)

باید بر حقانیت راه حزبمان تکیه کنیم

در شماره گذشته "رنجبر" در جواب به سؤال "چه باید کرد؟" در اوضاع کنونی گفتیم که باید به توده ها تکیه کرد، توده هایی که آماده اند تا به گرد پرچم اتحاد بزرگ ملی جمع شوند، وحدت خود را بازسازی کنند و بارادامه انقلاب را سالم به مقصد برسانند. اکنون اضافه میکنیم: باید بر روی حقانیت راه حزبمان، یعنی حزب رنجبران ایران، تکیه پیشگراول طبقه کارگر ایران تکیه کنیم.

حقانیت راه حزب ما از کجا ناشی میشود؟ این حقانیت از اتکا به توده ها و امرکبیر انقلاب رهایی بخشش آنان که انقلاب اسلامی حلقه ای از آنست، ناشی میشود. این حقانیت درمواضع درست و انقلابی حزب ما و درحرکت اصولی دردفاع راستین از انقلاب و دستاوردهای آن منعکس است. از میان مسائل مختلف انقلاب، حزب ما از همان آغاز دو حلقه اساسی

رنجبر ادامه انقلاب را محکم در دست گرفت و بدین ترتیب خود را به قافله انقلاب بطرز محکمی متصل نمود. این دو حلقه عبارتند از خط استقلال طلبانه "نه شرقی، نه غربی" انقلاب اسلامی و سلاح وحدت، یعنی دو عاملی که پیروزی انقلاب اسلامی را بررزم شاهنشاهی پی ریزی کردند. اتصال حزب ما به این دو شعار اساسی انقلاب ناشی از "مدروز نبود بلکه نتیجه اعتقاد عمیق ما به حقانیت خط نه شرقی نه غربی و سلاح وحدت بود، اعتقادی که بر اساس یک ارزیابی مستقل مارکسیستی از شرایط تاریخی جامعه و نیازهای مرحله ای انقلاب ضد امپریالیستی میهنمان قرار داشت، ارزیابی ای که همچنان و حتی بیشتر از گذشته معتبر است.

سیر حوادث و جریان تکامل انقلاب اسلامی نیز در ماههای پس از پیروزی و بخصوص در ماههای بقیه در صفحه ۲

هم سر نوشتی
نوکر و ارباب

شاه مرد، آمریکاهم میمیرد

مرداد برای او آغاز شد مصادف است با دوران صعود امپریالیسم آمریکا یعنی امپریالیستی که شاه را در دامان خود پروراند و مدت یک ربع قرن با زور سر نیزه بر مقدرات خلق و میهن ما حاکم گرداند.

کودتای ۲۸ مرداد مصادف است با آغاز قدر قدرتی آمریکا بمقابل ابر قدرت مسلط در سطح جهانی و مرگ شاه. این مولود کودتای ۲۸ مرداد - در زمانی صورت میگردد که امپریالیسم آمریکا از داخل و خارج با مشکلات عظیم روبرو است و آفتاب امپراتوری اش رو بیدافول می رود.

کودتای ۲۸ مرداد که حکومت ملی دکتر مصدق را ساقط نمود و دیکتاتوری خون آشام بهلولی را به سرگردگی محمدرضا شاه بار دیگر به میهن ما حاکم گرداند، نخستین کودتایی بود که در دنیا توسط سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) صورت میگرفت

بقیه در صفحه ۲

زندگی و مرگ شاه بطرز فسرده ای با صعود و انسول امپریالیسم آمریکا منطبق بوده و مقایسه این هم سر نوشتی نوکر و ارباب از جهات مختلف آموزنده است. زندگی و یا بعبارت بهتر زندگی دوباره شاه مخلوع یعنی آن حیات ننگین تر از ننگینی که با کودتای ۲۸

تفاهم

آقای رئیس جمهور بعد از معرفی مصطفی میر سلیم به عنوان کاندیدای احزاب پست نخست وزیری، طی مصاحبه ای اعلام داشتند: "امیدوار شدم بلکه ایشان بتواند معرف بسک تفاهمی بشود"

به نظر می رسد اشاره آقای رئیس جمهور به تفاهم و ضرورت ایجاد تفاهم در جامعه مربوط است به تلاش برای مقابله با واقعیت تلخی که امروز با آن روبرو هستیم و آن تشدید دامپ التزاید اختلافات و رقابتها در درون جبهه نیروهای اسلامی حاکم است - تعارضاتی که اوضاع کشور را پریشان کرده، نیرو-



مردم در سرگ شاه، شادی می کنند.

مبارزه علیه امپریالیسم و عمالش را تا به آخر

ادامه دهیم

شاه مرد، شاه در نهایت رسوائی، خواری و سرگردانی مرد، و با مرگ برای متجاوزین یانکی به خاطر سلطه بر جهان تبدیل گردد. بدین ترتیب،

حمله عمال رژیم بعث عراق به شهر نفت

عراق و دیگر کشورهای منطقه است. رژیم عراق با تشدید اختلافات ملیت های عرب و فارس و توطئه و تحریک و... می خواهد به مقابله با انقلاب اسلامی ایران - که بر روی مبارزات بحق مردم عراق علیه رژیم بعثی و دیکتاتوری خاندان تکرتی و مبارزات خلقهای عرب منطقه تاثیر گذاردم - بپردازد و با درگیری های مرزی مبارزه درون کشور را به خارج از مرزها بکشاند.

ما دخالت های رژیم عراق در امور داخلی ایران چه کردستان و خوزستان و چه دیگر نقاط ایران و حملات و تجاوزات خودسرانه نیروهای رژیم بعث را محکوم نموده و در عین اینکه از انقلاب شکوهمند خلقمان و استقلال کشورمان در مقابل

در طی چند روز گذشته حملات و دامنه تحریکات و خرابکاریهای رژیم بعثی عراق علیه دولت جمهوری اسلامی ایران شدت پیدا کرده است. علاوه بر بمب گذاری جاسوسان و عمال بعثی های عراق در شهرهای مرزی غرب و جنوب ایران، و اجازه فعالیت به مخالفین انقلاب و دولت ایران و دست نشاندهگان و عمال امپریالیسم آمریکا همچون، اویسی و بالیزیان... که از کردستان عراق به تحریک و توطئه در کردستان ایران دست می زنند، با نیروهای رژیم بعثی عراق بی دربی به نقاط مرزی ایران حمله می کنند.

در هفته گذشته نیروهای عراقی به نقاط مرزی قصر شیرین، سماره و سف نفت شدیداً حمله کرده

همانگی و سازندگی به اصطکاک و فرسایشی بیهوده کشانده و در بسیاری موارد کار مملکت را لنگ نگهداشته است .

تشدید این تعارضات جونا سالیسی را بر جامعه تحمیل نموده که در زیر فشار آن هیچ گروهی قادر نیست شایستگی های خود را عرضه کند و آنطور که باید به انقلاب خدمت نماید .

این تفاهم که از آن صحبت می-رود چیست و ما از آن چه برداشتی داریم ؟

عموما مساله این طور مطرح شده که روابط نا مطلوب میان حاکمین به علت وجود جو سو تفاهم ، پیش-داوریه و قضاوت های عجولانه است که شرایط را برای درک متقابل سخت کرده است . سخنان اخیر آقای رئیس جمهور درباره ضرورت ایجاد تفاهم از همین جا سرچشمه می گیرد .

اما به باور ما مسئله اساسی که اکنون کارها را لنگ نگهداشته نبودن شرایط لازم برای درک متقابل نیست ، به نظر ما گروه هایی که در حکومت دست دارند و مستندهای قدرت را در اختیار خود دارند اتفاقا خیلی خوب مسائل یکدیگر را درک می کنند و از این رو مسئله اساسی در حال حاضر تنها تمایل و تصمیم آنان به حل و فصل مشکلات و اختلافات به نفع کل جامعه و انقلاب است . اما تفاهم آن طور که ما تا کنون استنباط کرده ایم بیشتر به صورت مقوله های اخلاقی از طرف نیرو های حاکم مطرح شده و هواداران تفاهم بیش از همه تکیه خود را بروی تصحیح روش ها و برخوردها و عرضه نمودن اخلاق سیاسی در خور گذارده اند و ارزیابی می کنند با چنین تغییراتی شرایط برای مدیریت هماهنگ و مشترک جامعه بوجود می آید .

البته نمی توان در وجود روابط و برخوردهای نا سالم که خود باعث تشدید اختلافات شده شک کرد . هر روز شاهد نمونه های بسیاری از این برخوردها هستیم که گوئی عامدا برای بحرانی تر شدن اوضاع اتخاذ میشود . اما این مقوله تفاهم صرفا جنبه اخلاقی ندارد بلکه بیش از همه یک مقوله سیاسی است و تنها بر چنین پایه ای می تواند بوجود آید و شکل بگیرد . به عبارت دیگر مادامی که نکات مشترک سیاسی میان گروه ها تعیین نشده و آن خواست و تمایل لازم برای کار و

بقیه در صفحه ۶

جنايت و خيانت را به گور برده و سر نوشتش با سرنوشت پدر جلادش که پس از سالها ديکتاتوری و وطن فروشی با مبارزات خلقهای میهنمان فراری شد و در نقطه های دور افتاده جان سپرد ، پیوند خورد ، محمد رضای خائن که پس از پدرش روی کار آمد ، راه او را دنبال نموده و وطن فروشی ، ستمگری و فساد را که در مکتب پدر آموخته بود ، در خیانت آمیزترین وجهی به پیش برد و ارتجاعی ترین سیاستها را نسبت به خلق زحمتکش و مردم آزادیخواه ما روا داشت .

او به دلیل وابستگی بی حدش به استعمار گران و چپاولگران خارجی و در درجه اول به امپریالیسم جهان-خوار امریکا ، سیاستهای رژیم را نه بر اساس نیازمندیهای مردم و ضرورت رشد سالم جامعه بلکه اساسا بر پایه ضرورتها و احتیاجات امپریالیستها و در رأس آن امپریالیسم خونخوار امریکا پی ریزی نمود و در حالی که از خلق و ملت ما تا مرزهای خون بهره کشی کرده و به آنها انواع ستم را روا می داشت ، با پول و دسترنج آنها و غارت و حراج منابع و ذخایر ملی مان ، ایران را به ژاندارم امپریالیسم امریکا و چماقی

در خدمت تامین منافع امپریالیسم قرار داشت . مجموعه روابط ، قوانین و مناسباتی که در این سیستم بوجود آمده بود ، کوچکترین و کمترین امکانی برای شرکت واقعی و حتی نظارت بر اداره امور سرنوشت خویش به وسیله مردم باقی نگذاشته بود و هر گونه کوشش و اعتراضی برای بوجود آوردن این امکان توسط ارتش ، پلیس و به-خصوص ساواک و ... که برای حفظ این رژیم سازمان داده شده بودند ، به شدیدترین وجهی سرکوب می گردید .

لکن آنجا که ستم و سرکوب است ، مبارزه و مقاومت نیز هست و سر انجام مبارزه عادلانه توده های دلیر و جان بر کف ما خلق ما پیروز گردید و انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی تاج و تخت ننگین پهلوی را برای همیشه به زباله دان تاریخ فرستاد .

شاه در دی ماه ۱۳۵۷ در حقیقت از نظر تاریخ مرد ، لکن لاشه نیمه جان اوتا مدت ها مایه امید امپریالیسم امریکا و بقیه باز ماندگان رژیم طاغوت یعنی اوئسی ها و پالیزیانها و دیگر جلادان و خائنین وطن فروش مانند شاپور بختیار بود .

اکنون که این نوکر قدیمی امریکا

مقاومت قهر مانانه در زندانهای صهیونیستی

مادران زندانیان فلسطینی بهر آه فرزندان خود به اعتصاب غذا دست زدند

طبق گزارش ویژه خبرگزاری فلسطینی وفا - تهران ۱۳۵۹/۴/۳۱ زندان صحرائی "نفسه" زندان تازه ای است که دشمن در قلب "صحرائی نقب" احداث کرده که با توجه به کوچکی مساحت آن در یک منطقه حاره از بدترین زندانهای جهان بشمار می رود . ۸۰ زندانی فلسطینی این زندان که از رهبران فدائیان به شمار می روند بعد از انتقال از زندانهای قبلی در سلولهای دسته جمعی در گروههای ۱۰-۸ نفره به سر می برند .

زندانیان فلسطینی در آغاز ماه جاری طی نامه ای که منتشر کردند ضمن تشریح شیوه های فاشیستی و شرایط سخت زندگی و ممانعت از

و این دشمن دیرینه مردم ایران مرده است ، توده های خلق ما با هوشیاری خود را باید متحد سازند تا با توطئه های دیگر عمال و ایادی امریکا مقابله نمایند و راه را بر نفوذ و رخنه و توطئه ابر قدرت روس و عمال آن نیز ببندند و انقلاب اسلامی ایران را تا تحقق کامل استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی به پیش برند .

حزب ما مرگ شاه منخور و مخلوع را به مردم ایران تبریک می گوید و موفقیت هر چه بیشتر مردم و رهبری انقلاب را آرزو می کند .

دبیر خانه حزب رنجبران ایران

سنگین و با پشتیبانی جنگنده های عراقی به سوی شهر نفت روان شدند ، ولی با پاسخ نیروهای ایرانی از شدت تهاجم آنها کاسته شده و آنان مجبور به عقب نشینی گردیدند . در این عملیات نیروهای عراقی ، تمرکز حمله جاهل های نفت ، شهر نفت بود که چندین زخمی و مجروح نیز بر جای گذاشت .

انجام این اعمال از طرف رژیم که در داخل کشور خود به فاشیستی ترین شیوه ها آزادی های مردم را سرکوب می کند ، حق خود مختاری برای خلقهای کشور بویژه خلق کرد قایل نبوده و آنها را به رسمیت نمی شناسد و بطور وسیع به سرکوب شیعیان و اخراج هزاران خانواده می پردازد ، تنها وسیله ای برای دامن زدن به اختلافات ایران و

دانشجویان مبارز ایرانی خارج برای چندمین بار تظاهرات ضد انقلاب را درهم شکستند

در جریان درگیری ۱۲ عضو کنفدراسیون (سیس) بشدت مجروح و سه تن دستگیر شدند

طبق آخرین خبرهای رسیده از واشنگتن دانشجویان مبارز ایرانی مقیم آمریکا روز شنبه به تجمع هواداران رژیم سرتگون شده در مقابل کاخ سفید حمله بردند و اجازه ندادند که آنان علیه رژیم جمهوری اسلامی در آمریکا تظاهرات کنند مطابق همین خبر عده ای حدود چند صد نفر از طرفداران شاه سابق و شاهپور بختیار تحت حمایت بیش از ۸۰۰ پلیس فدرال آمریکا اقدام به تظاهرات علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران نمودند . دانشجویان مبارز ایرانی عضو انجمن های اسلامی و کنفدراسیون دانشجویان و دانش آموزان ایران (سیس) و دیگر ایرانیان مبارز به مقابله با این تظاهرات پرداختند .

در اثر تهاجم اعضاء کنفدراسیون دانشجویی (سیس) به صف تظاهر کنندگان مخالف رژیم ایران ، این تظاهرات بهم ریخت و آنان موفق نشدند برنامه های بیش بینی شده را انجام دهند .

در این درگیری ۱۲ تن از اعضاء کنفدراسیون دانشجویی (سیس) بسختی مجروح شده اند که در حال حاضر در بیمارستان بستری شده اند . در عین حال

آخرین قطره خون دفاع خواهیم نمود خواهان پایان دادن به این اعمال خرابکارانه هستیم و معتقدیم که سیاست تفرقه افکنی رژیم عراق بین ایران و عراق یا بطور کلی بین کشورهای منطقه در شرایطی که دو ابر قدرت برای دست یابی به خلیج فارس ، بر سر کشورهای منطقه و حوزه خلیج به شدت به رقابت برخاسته اند و از هر شکافی در وحدت کشورهای منطقه سوء استفاده و جنگهای منطقه ای خود را تشدید می بخشند ، تنها به سود دو ابر قدرت بوده و زمینه سلطه جویی و تجاوز آنها را فراهم میسازد .

حزب توده دشمن جمهوری اسلامی

در صفحه ۶

تداوم انقلاب در گرو حمایت دهقانان است

در صفحه ۳

به فاجعه سینما رکس آبادان را از تاریخ ۵۹/۴/۲۱ شروع کرده است. تهیسه مدارک مقدماتی پرونده هم اکنون در دست انجام می باشد.

دادستانی انقلاب از عموم مردم خواسته است که تا تاریخ ۵۹/۵/۱۰ چنانچه عکس، اسلاید، نوار صوتی و تصویری یا هرگونه مدارک در این مورد در اختیار دارند به دادستانی تحویل دهند.

از سوئی دیگر عده‌ای از بازماندگان فاجعه سینما رکس مدت ۱۰۰ روز است که در محل اداره دارایی آبادان متحصن شده و خواستار تعجیل مسئولین امور در رسیدگی به این مسئله می باشند.

سامحه مسئولین امور در این مورد به چپ‌نماها فرصت داده است که به جوهرج و مرج دامن زده و بازار شایعه را داغ نگهداشته و حتی تا آنجا پیش رفته‌اند که فاجعه سینما رکس را به بعضی از رهبران جمهوری اسلامی نسبت داده‌اند.

شایسته است که مسئولین امور هرچه سریعتر به این مسئله رسیدگی کرده و مجریان اصلی را به مجازات برسانند.

تحصن مردم بانه در بوکان

بوکان - عده‌ای از مردم بانه که برای آزادی ۵ گروگان جهاد سازندگی در مسجد جامع شهر بوکان و خیابانهای اطراف آن متحصن شده بودند پس از سه روز بدون نتیجه شهر را ترک گفتند. در پایان این اجتماع اعلامیه‌ای به مضمون زیر صادر شد:

بسمه تعالی

ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتغیر وما به انفسهم

ما اهالی شهرستان بانه متشکل از روحانیون و اعضای ادارات، فرهنگیان، کارمندان، کشاورزان و کارگران که به منظور نجات ۵ نفر بیگانه از اعضای جهاد سازندگی که تا حال سه مرتبه دسته جمعی به سوی نقاط مختلف اجتماع و راهبیمایی نموده‌ایم و اکنون که نوبت سوم است و سه روز است در شهر بوکان و در مسجد جامع و خیابانهای اطراف متحصن و بارها با مسئولان کومله چه در مسجد و چه در دفتر سیاسی آنها به مذاکره نشسته‌ایم و جدا خواستار رهایی ۵ نفر مذکور شده‌ایم. مع الوصف تا حال به مطلوب خود نرسیده‌ایم. اکنون که شهر بوکان را ترک می‌کنیم این قطعنامه را صادر و اعلام می‌داریم:

- ۱- ما اهالی بانه پشتیبانی قاطع خود را از انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی اعلام می‌داریم.
 - ۲- با قاطعیت هر چه تمامتر خواهان آزادی افراد نامبرده جهاد سازندگی می‌باشیم و تا آزادی آنها از پای نخواهیم نشست.
 - ۳- از تمام گروههای سیاسی و سایر مردم کرد خواهانیم که هر چه زودتر برای آزادی افراد نامبرده و خواسته‌های برحق و مشروع مردم بانه با ما همکاری نمایند.
 - ۴- توطئه اخیر را بر علیه جمهوری اسلامی که بوسیله آمریکا و بعث عراق و صهیونیسم بوجود آمده بود و خوشخانه خنثی گردید محکوم می‌کنیم.
 - ۵- به پیروی از پیام ۲۶ آبان ماه ۵۸ امام خمینی خواهان احقاق حقوق مشروع ملت ستمدیده کرد در چارچوب جمهوری اسلامی ایران می‌باشیم.
- اجتماع کنندگان مردم بانه در بوکان

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

نشانی: خیابان صدق، پانزین ترار
میدان ولی عصر، کوچه زبرد، شماره ۷

تلفن: ۳۱۴ - ۱۴۰۱ - منطقه پستی ۱۵

سابقه انتشار و سردبیر: فرامرز وزیری

مدیر مسئول: علی حجت

حزب ما و نیروهای اسلام مبارز بیوسنه تقویت میگردد. این جریان عمده و غالبی است که در ماهها و هفته‌های اخیر اوج گرفته و می‌رود که به یک عامل مهم در حیات سیاسی جامعه تبدیل گردد.

درباره این جریان رشد یابنده و مثبت و مرفعی که نماینگر حقانیت حزب ما از سوی و حقانیت انقلابی توده‌ها از سوی دیگر است. دو جریان قدعلم میکنند. یکی جریان ارتجاعی ضدانقلابی وابسته به ابرقدرت روس که باند گیانوری نماینده آنست و دیگری جریان

شاه مرد ...

بقیه از صفحه اول

و بیک معنی آغاز رسمی روی صحنه آمدن امپریالیسم آمریکا بمثابة زاندارم بین‌المللی و آغاز دورانی است که امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم فروت انگلیس را از مقام آقائی جهان بزیر کشیده و خود بر این مسند تکیه میزند. پس از کودتای ۲۸ مرداد، فعالیت‌های جنایتکارانه و تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا که با حمایت همه جانبه از جانکایچک در برابر انقلاب چین و با جنگ تجاوزکارانه علیه کره آغاز شده بود، در سراسر جهان به شدت گسترش می‌یابد. کودتاهای نظامی از نوع ۲۸ مرداد یکی پس از دیگری در گواتمالا، برزیل، جمهوری دومینیکن، اندونزی و بالاخره در شیلی (صرفنظر از کودتاهای کوچکتر در سایر نقاط جهان) اجرا می‌شود، تجاوزات نظامی به لبنان، کنگو، نیکاراگوئه، دومینیکن، کینه، یمن، کوبا، کویت، ... بی‌مها با صورت میگردد و بالاخره تجاوز وحشیانه وسیع به خاک ویتنام، اشغال نظامی ویتنام جنوبی و گسترش جنگ تجاوزکارانه به سراسر هندوچین (ویتنام و کامبوج و لاؤس) در طول قریب به ۱۵ سال در این نقطه از جهان ادامه می‌یابد.

در همین دوره در ایران امپریالیسم آمریکا با تکیه بر رژیم کم و نوکرمنشی تمام و کمال شاه و خاندان پهلوی، برنامه دراز مدتی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی با هدف تبدیل ایران به پایگاه عمده خود در خاورمیانه و گسترش سلطه خود بر منابع و شاهراه‌های نفتی خلیج و خاورمیانه تدارک دیده و اجرا میکند که در اصلاحات ارضی نو استعماری، غارت نفت از یگسو و تبدیل ایران به بازار کالاهای امپریالیستی و تسلیحات پیشرفته نظامی از سوی دیگر به منظور رقابت با سوسیال امپریالیسم شوروی در منطقه خلاصه میشود. برای پیشبرد چنین سیاست غارتگرانه و تجاوزکارانه‌ای امپریالیسم آمریکا رژیم پلیسی شاه را بمثابة سگ زنجیری خود با تمام قوا تقویت کرده و یک سیستم سرکوب پلیسی نظامی فاشیستی که بر حاکمیت بی‌چون و چرای ساواک مبنی بود برقرار ساخت و همچنین وظایف زاندارم منطقه‌ای را نیز بردوش شاه قرار داد (تجاوز به ظفار ...).

لکن همه این سیاست غارت و جنایت و جنگ و تجاوز که در ایران و جهان توسط ابر قدرت امپریالیستی آمریکا در طول سه دهه دنبال گردید یک روی سکه را تشکیل میدهد. در روی دیگر سکه عوامل مخالف سلطه‌جویی جهانی امپریالیسم آمریکا یعنی رقابت‌های سایر امپریالیست‌ها به ویژه سوسیال امپریالیسم شوروی از سوئی و مبارزه نیروهای استقلال طلب و خلق‌های جهان از سوی دیگر قرار داشته و دارند این عوامل که مهمترینشان مبارزه و مقاومت تلقها و بخصوص جنگ‌های توده‌های خلق‌های جهان سوم می‌باشد. در این مدت هر دم و بخصوص در دهه اخیر کم‌کم امپریالیسم آمریکا را شکستند و او را از اوج قدر قدرتی به‌سراشیب افول و سقوط گشاده‌اند.

در میان این مبارزات توده‌ای، مهمترین‌شان جنگ عادلانه رهایی - بخش خلق‌های هند و چین بود که به تمام معنی امپریالیست آمریکا را در درون و بیرون دچار بحرانی بی سابقه نمود.

بر روی این زمینه مثبت و بسا استفاده از دستاوردهای سایر خلق‌ها،

تحقق اتحاد بزرگ ملی باز دارد. ما مصممیم که برای نجات انقلاب ایران در برابر دو ابر قدرت از سوی و در برابر اخلال انحصارطلبان از سوی دیگر بکوشیم و در این راه یقیناً موفق خواهیم شد.

حقانیت راه حزب ما در بوته آزمایش تاریخی اثبات شده و بیش از پیش اثبات خواهد شد. با تکیه بر این حقانیت توده‌ها را متحد و متشکل کنیم و همه مشکلات را بسا همکاری متحدین خود یعنی اسلام مبارز و ملی گرایی مرفعی از سر راه برداریم.

مردم ایران با اتکاء به نیروی خود و در زیر رهبری امام خمینی در طول نبردی بیگیر و قاطعانه بر رژیم منفور پهلوی پیروز شدند، نظام سلطنتی را واژگون و جمهوری اسلامی را برقرار کردند. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران ضربه بزرگ دیگری بر پیکر ضربه خورده امپریالیست آمریکا وارد آمد و آمریکا یکی از آخرین سگ‌های زنجیری خود را از دست داد.

شاه منفور که یک ربع قرن قبیل از آن با کبکیه و دبدبه بر روی اجساد بهترین فرزندان میهن با کودتای امریکائی سیا روی کار آمده بود، در روز ۵۷/۱۰۹/۲۶ با حالت نزار و اشک ریزان و در حالی که بیش از دو سه نفر از کاسه لیسانش به بدرقه او نیامده بودند، ایران را ترک گفت و اکنون یکسال و نیم پس از آن فرار فضیحت - بار با حالی که همه اربابان و متحد - تر و در حالی که همه اربابان و متحد - پینش او را رها کرده و چه بسا در "مردانندش" شرکت کرده‌اند، بسا میلیاردها ثروتی که از غارت خلق ما اندوخته بود برای همیشه وداع گفت. این وداع فلاکت بار در زمانی که خورشید بخت امپریالیسم آمریکا نیز به سرعت رو به افول می‌رود منظره‌ای با شکوه، منظره صعود خلق‌های آزادی خواه و استقلال طلب جهان را در افق پدیدار می‌سازد، هر چند که بر این افق اکنون سایه مهیب ابرقدرت دیگری یعنی سوسیال امپریالیسم متجاوز شوروی، سنگینی می‌کند. اما چه باک، خلق‌های جهان افق تابناک آینده خود را از سایه ابر قدرت روس نیز پاک خواهند ساخت و جهان بر سعادت، جهان ترقی و تعالی بشر را بنا خواهند نمود.

در همین راستا نجات خلق کرد از این "منجلا ب" بهره‌آل یا بالا گرفتن تضاد میان سازمانهای سیاسی کرد، بنظر می‌رسد موقعیت سازمانی چون کومله که دچار انحراف چپ روی و تننگ نظری ناسیونالیستی است و از همه سو زیر آتش چند جانبه از یک طرف حاکمین و نیروهای ملی و از جانب دیگر زیر فشار عوامل روس (باند پلوریان و گیانوری و جریک‌های اکثریت) و عوامل آمریکا (دستجات پالیزیان - بختیار) و انقیادطلبان و خرابکاران دیگری چون حزب دمکرات، زرگاری و جاشهای یعنی قرار گرفته است، بسیار دشوار گشته است. ظاهراً زمان بازنگری بر مواضع و سیاستهای سازمان نزدیک است، و فقط خط و نشان ...

رفقا خط و نشان ...

بقیه از صفحه اول

این ارزیابی از پیش گرفته شده است، در هر حال پیامدهای خطرناکی برای انقلاب ایران خواهد داشت.

حاشیه نویسن این حملات را در حقیقت خط و نشان کشیدن رفقا تلقی می‌کنند که ای مردم به هوش باشید اگر پیش از این در مورد افغانستان لجاجت کنید، عملاً بر شاخ نشسته و بن می - برید! این دقیقاً زمینه سازی برای حرکات احتمالی آینده است که یعنی هر چه دیدید از چشم خودتان دیدید. در ضمن این دقیقاً نشان دهنده استراتژی طرفداران سوسیالیسم علمی است که صراحتاً اعلام می‌کنند که نمی‌گذاریم یک حکومت اسلامی در افغانستان تحقق پیدا کند و حتی اگر نظام وابسته گنونی سقوط کند، حکومت را به اختیار ها و اویسی‌ها و ظاهر شاه خواهیم داد ولی به مرتجعین هرگز! رفقا در ضمن موضع گیریهای صریح و قاطع امام در برابر مسئله افغانستان را به عنوان ارزیابی اشتباه آمیز تلقی کرده‌اند تا در آینده از گسترش چنین شبه‌های بهره گیری کنند و به خیال خود بر خر مراد سوار شوند ولی گویا باز هم رفقا گور خوانده‌اند چون این بار نیز اشتباه می‌کنند و تاریخ بار دیگر به آنها نشان خواهد داد که در صحنه‌های عادیات سیاسی ایران در گجا قرار دارند؟ ولی آیا راست است که در حکومت دموکراتیک افغانستان توده‌های ها نقش حساس و تعیین کننده را دارند؟ چه خوب بود رفقا در این زمینه خود توضیح میدادند.

حفظ تحکیم و تداوم انقلاب در گرو حمایت دهقانان است

ایجاد می‌کنند؟ شواهد متعدد زیر، مورد اخیر را تأیید می‌کنند:

دهقانان و مسأله زمین

مسأله اصلاحات ارضی و واگذاری زمین بصورت دست و پا شکسته وبدون برنامه دقیق می‌رود تا مسأله زمین راه فراموشی بسیار. در مناطقی هم که زمین مالکان بزرگ وابسته تقسیم شده است امکانات لازم برای بهره‌برداری در اختیار دهقانان قرار نگرفته و دهقانان بر روی این زمینها دچار حالت سرگردانی و بلاتکلیفی اند و آن اطمینان لازم را ندارند که خوددربی ایجاد امکانات لازم (نظیر جاده و موتور آب و وسایل کشت و کار وغیره) باشند. در نتیجه، این وضعیت چندان دوام نخواهد آورد و اگر تفرکی اساسی در این مورد نشود این اصلاحات تغییر لازم را در روستاها ایجاد نخواهد کرد، ضمن اینکه منجر به این خواهد شد که افرادی که از امکانات سرمایه‌ای بزرگ، حاکمیت خود را دوباره بدست آورند. در بعضی مناطق این مورد دیده شده است.

دهقانان و وام‌های کشاورزی

وام یکی از مشکلات اساسی دهقانان است، آنهم در شرایطی که سرمایه نقش مهمی در آبادانی و تحول روستاها دارد. با اضافه اینکه در مناطقی که امر واگذاری زمین انجام گرفته، وام به نیازی فوری و مرم تبدیل شده است. اما هنوز تحول در این سمت دیده نشده و همان مقررات دست و پاگیر و همان برنامه‌ها و همان عدم توجه به روستا هنوز موجود است. تازه نهاد انقلابی چون جهاد سازندگی که قصد دادن وام‌های کوتاه مدت را به روستائیان دارد در عمل چنان مانع و سد هایی ایجاد کرده که در اولین قدم دهقانان را دلسرد کرده است.

دهقانان کشور ما نیروی عظیمی هستند و نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت انقلاب دارند، چرا که: ۱- از لحاظ کمیت نقش اساسی دارند (بیش از ۵۵ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند). ۲- این نیرو پایگاه اصلی رشد اقتصاد ملی است.

۳- بیشتر از همه افسسار و طبقات، ستم و استعمار امپریالیسم را لمس کرده (همراه با کارگران) و در فقر و عدم رفاه زندگی می‌کنند و به این علت خواهان ادامه انقلاب بوده و متحد طبیعی کارگران است. و بالاخره:

۴- در ارتباط با نقش پایگاهی که روستا دارد، نیروی عمده جنگ مقاومت طولانی مدت را در صورت اشغال کشور توسط نیروهای خارجی و در جنگهای احتمالی بعدی تشکیل می‌دهد.

دهقانان و

انقلابات ملی گذشته

تجارب انقلابات ملی مانسان داده است که عدم توجه به این نیروی عظیم و شرکت نکردن آن در مبارزه ضد امپریالیستی، تا چه حد نتایج زیانباری به همراه داشته است. اگر چه انقلاب مشروطیت با آنکه به توده‌های شهری پیروز شد، ولی عدم توجه آن به خواسته‌های اساسی دهقانان یعنی اکثریت قاطع جمعیت کشور منجر به این شد که این توده وسیع نسبت به سرنوشت انقلاب بی تفاوت بماند و زمانی که انقلاب در شهر رو به شکست نهاد، در ده نیرویی از این پشتیبانی نکرد. در سالهای ۳۰ (زمان حکومت ملی دکتر مصدق و نهضت ملی شدن نفت) نیز بار دیگر این تجربه تلخ تکرار شد. اگر چه در این سالها کوشش هایی برای بهبود زندگی دهقانان و به میدان کشیدن آنها انجام گرفت، ولی در مجموع این اقدامات تا جایی نرسیدند و دیدیم که در زمان وقوع کودتای ۲۸ مرداد که در عرض چند ساعت ورق برگشت، وقتی که نهضت در شهر سرکوب شد، توده‌ها، دهقانان که ۷۰ درصد

روستای «زاخرویه مزرعه پهن» قیر و کارزین (فارس):

دولت باید به وضع کشاورزان و عشایر رسیدگی کند!

روستای " زاخرویه مزرعه پهن" در ۶ کیلومتری "قیر و کارزین" (جنوب شیراز) واقع شده و فاصله کلیه امکانات رفاهی و عمرانی است. روستا نه آب دارد، نه برق، نه حمام و نه حتی مدرسه ابتدایی. فقط در حال حاضر درمانگاهی در دست ساختمان است که معلوم نیست ساختمان آن کی تمام می‌شود. آبگراه فرعی هم دارد که در زمستانها بر اثر ریزش کوه و ایرادات دیگر ممکن است بند بیاید. این تمام امکانات رفاهی و عمرانی است که برای ۵۰۰ نفر اهالی زحمتکش و ستمدیده این روستا وجود دارد!

زمینهای روستا "پهن" (دیج) است و به همین خاطر محصولات آن بستگی به آمدن باران دارد. محصولات کشاورزی شامل جو و گندم است. برخی از اهالی، مختصر دام داری هم دارند، ولی اکثراندارند. ده، مالک بزرگ ندارد و حدود زمینهای هرکس ۴ تا ۶ هکتار است. اهالی این روستا وسایسل کشاورزی هم از هیچ نوع در اختیار ندارند و با گاو شخم می‌زنند، بسا بار دهنه م‌کنند و با خر م‌کنند.

اخبار کارگری - دهقانی

به همت سندیکا، کارگران کتابفروشی ها و انبارها بیمه می شوند

تهران - پس از ۶ سال که از قانون بیمه اجباری کارگران توسط کارفرماها می‌گذرد، حدود ۵۰ الی ۷۰ نفر از کارگران کتابفروشی ها و انبارهای مربوطه موفق شدند به کمک سندیکای خود بیمه بشوند. صاحبان کتابفروشی ها تا کنون از بیمه کردن کارگران خود اجتناب می‌کردند ولی کارگران که پس از پیروزی انقلاب در سندیکای خودشان متشکل شده بودند، توانستند کارفرماهای مربوطه را وادار به قبول خواست قانونی خود مبنی بر بیمه شدن کارگران کتابفروشی ها و خانواده‌ها ایشان بنمایند. سندیکا در تلاش است که مبارزه خود را تا بیمه شدن کلیه کارگران کتابفروش ادامه بدهد. تعداد کارگران کتابفروش متجاوز از یک هزار نفر می باشد.

انفجار در «معدن سنگر و درودبار»

بنابر گزارش خبرگزاری پارس از رشت، در اثر انفجاری که روز شنبه چهارم مرداد در یکی از تونلهای " معدن سنگرود " رودبار به وقوع پیوست، هفت تن مجروح گردیدند.

مدیر عامل معدن سنگرود درباره این حادثه اظهار داشت: بدلیل اشکال در یکی از چراغ‌های معدن که از شب گذشته خاموش شده بود، گاز متان در تونل جمع شد و صبح دبیروز کارکنان ایمنی که جهت رفع اشکال وارد معدن شده بودند بر اثر تراکم گاز و انفجار ناشی از آن، ۷ تن دچار سوختگی شدند و مجروحان بلا فاصله تحت درمان قرار گرفتند.

گزارش خبرگزاری پارس حاکی است که از سوی استاندار گیلان کلیه نیروهای ارتش و انتظامی منطقه، جهت امداد مصدومین احتمالی بسیج شدند و از نیروها خواسته شد تا گروههای امداد به منطقه اعزام دارند.

شهادت در راه خدمت به خلق

دو تن از جوانانی که برای شرکت در جهاد سازندگی عازم روستاهای آشتیان بودند، بر اثر تصادف اتومبیل به شهادت رسیدند. بنا به گزارش خبرگزاری پارس از قم، علامرضا میرزائیان و حسن آفرین که جهت کمک به روستائیان عازم یکی از دهات آشتیان بودند، به علت سانحه اتومبیل شهید گردیدند. از ابتدای انقلاب تا به حال، دهها تن از جوانان، مردان و زنان میهن ما که برای خدمت به روستائیان عازم دهات و قصبات ایران بوده‌اند، به علل مختلف جان خود را در راه سازندگی و آبادانی سرزمین خویش فدا نمودند. ما ضمن گرامی داشت خاطر این دو شهید جهاد سازندگی، به همه شهیدانی که در راه خدمت به خلق جان باختند، درود می‌فرستیم.

جمعیت کشور را تشکیل می‌نماید. تفاوت و نظارت باقی مانده و مقاومتی چشمگیر در عرصه روستاها مشاهده نشد.

آیا این بی تفاوتی، عامل مساعدی در محاسبات امپریالیسم نبود؟ و آیا بی تفاوتی دهقانان در واقع زمینه مناسب را برای تحقق کودتا و حاکمیت امپریالیسم بوجود نیاورد؟ یا بار دیگر شاهد تکرار این تجارب هستیم.

دهقانان ما و انقلاب اخیر و مبارزه ضد امپریالیستی

در انقلاب اخیر، دهقانان به علت پراکندگی وسیع و عدم شکل خود و عوامل دیگر، جز نیروهای اولیه انقلاب نبودند و در مراحل بعدی انقلاب و بعد از اوجگیری انقلاب بود که به صفوف انقلاب پیوستند.

بعد از پیروزی انقلاب، شور و التهاب وسیعی روستاهای کشور را در بر گرفت. روزی نبود که صحبت از یک جنبش در روستاها نباشد. اخبار روستاها هر روز حکایت از درگیری‌ها و جنبش‌های مختلف بر سر زمین، آب، وام، مسائل عمرانی و غیره داشت. این حرکتها در عین اینکه خیلی زیاد و پیرامنه بود اما یکپارچه و هماهنگ و سراسری نبودند به حرکت در آمدن امپریالیسم وسیع در جنبش‌کنندگاری اخیر، اثر خود را عینا نشان داد، به طوری که در سال جاری ما را با یک وضعیت مناسب کشاورزی روبرو کرد تا جائیکه صحبت از خودکفایی در زمینه بعضی محصولات به میان آمد.

نهضت کاشت گندم که روستاها را در بر گرفت، نشان داد که جنبش استقلال خواهی و مبارزه با امپریالیسم در بین دهقانان ما تا چه حد قوت و ریشه دارد. اما این یک طرف قضیه بود. طرف دیگر قضیه این بود که: آیا مسئولین دولتی قادر خواهند بود این نیروی عظیم را جهت داده و آنرا بتوانند انقلاب قرار دهند؟ یا اینکه بسا برخورد غلط خود و نشان دادن عدم کفایت و توانایی خود در برخورد به این نیروی عظیم، مانع حرکت آن می‌شوند و در نهایت با راکسند و بی تفاوت نگه داشتن آن، مناسب ترین وضعیت را برای بهره برداری دشمنان انقلاب یعنی امپریالیستها بویژه دو ابرقدرت آمریکا و شوروی

در مورد آب و کمک دولت به ایجاد سد ها و قنوات و جاهها هنوز تحولی ایجاد نشده است. دهقانان کشور هم آن بنیه لازم را ندارند که مساله آب را حل کنند، مساله ای که تاریخی است و حل آن بیشتر به عهده دولت است.

مسائل عمرانی و رفاه روستائیان

طرحهای عمرانی و آبادانی روستاها به خوبی پیش نمی‌رود. حتی جهاد سازندگی هم بیشتر وقتش مصروف به امور داخلی و بوروکراسی خودش است. در اکثر روستاها مساله بهداشت، مساله روز دهقانان است اما یک قدم هم در این راه برداشته‌اند. مساله راههای روستایی هنوز بطور جدی مورد توجه مسئولین قرار نگرفته ...

دهقانان و اداره امور روستاها

اداره اموره هنوز مشخص نیست که به عهده چه ارگانی است. شوراهای ده در بعضی نواحی تشکیل شده‌اند اما حدود وظایف و اختیارات آنها مشخص نیست و این خود، پلانگینی و چند مرکزیتی را بوجود آورده است. در روستاهایی که شوراها تشکیل نشده، عملا روستاها بدون سرپرست مانده‌اند و در بعضی نواحی، این امر منجر به حاکمیت مسئولین محلی شده و خودکامگی آنها را بدنبال داشته است.

دهقانان و ادارات دولتی

باهمه این احوال، زمانیکه دهقانان با اتکا به نیروی خود به حل مسائل می‌پردازند، باز در مقابل بوروکراسی و دوائر دولتی قرار می‌گیرند. در مورد همین قیمت گذاری نرخ گندم شاهد بودیم که دهقانان با تمام کمبودها چه شور و اشتیاقی سطح مملکت را تبدیل به کشتزارهای گندم نموده و درونیه را گاشند. اما در موقع خرید گندم که شد دولت اعلام کرد که همان نرخ سال گذشته یعنی ۱۸ ریال نرخ خرید است! و دیدیم که چه عشی العملی در دهقانان ایجاد کرد. بطوریکه بعضی کشتکاران (مثلا ورامینی‌ها) کشتزار

نمونه دیگر قیمت خواست که در عرض ۱۵ روز قیمت آن از ۱۸ ریال به ۲۰ تا ۲۴ ریال رسید، فقط به این دلیل که سرخمن قیمت آن ۱۸ ریال بود و زمانی که در انبار واسطه‌های بزرگ جا گرفت قیمت آن به ۲۴ ریال رسید! در نهایت با فشار این تفاوت قیمت در دوش خود دهقانان است. من باب مثال آن دامدار که می‌باید جو بخرد، جو برادر دهقان خود را می‌باید از دست واسطه‌ها با قیمت به مراتب گرانتر بخرد و فشارش را تحمل کند.

دهقانان به عنوان یک نیروی مهم برای حفظ و تداوم انقلاب

اینها نمونه‌هایی از عدم کوشش دولت در حل مسائل دهقانان است. و زمانیکه دهقانان خواسته‌های خود را مطرح میکنند و به حرکت در می‌آیند، همین مسئولین با زدن مارک "ضد انقلاب" و یا اینکه این حرکت به نفع امریکاست، جلوی حرکت دهقانان را سد میکنند. و در واقع با زبان بی‌زبانی می‌گویند که: "دهقانان عزیز! بروید به خانه هایتان و مانند سابق بی تفاوت بنشینید و کاری به کار کسی نداشته باشید و نگویید کی آمد و کی رفت!". آیا این سیاست، صحیح است، آن هم در زمانی که مساله کودتا و خطر اشغال نظامی کشور مطرح است و باید تمام نیروها از کارگر و دهقان گرفته تا سایر اقشار و طبقات در مقابل آن بایستند و از انقلاب دفاع کنند؟ بی حرکت کردن توده‌ها به نفع چیست؟ آیا جز به نفع امپریالیسم است؟

باید دانست که هر کوششی که جلوی حرکت توده‌ها و بخصوص توده های دهقانی را بگیرد و مانع از وسعت و گسترش وجهت گیری صحیح آن‌ها شود در واقع کوششی است در خدمت ضد انقلاب.

توده‌های عظیم دهقانی به حرکت درآمده‌اند، باید آنها را جهت داد، مشکلات آنها را حل کرد و بعنوان یک نیروی مهم که حافظ و تداوم بخش انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی میهن ماست به آن متکی شد. در عین اینصورت بار دیگر پایان غم انگیز انقلابات گذشته را شاهد خواهیم بود. مسلم است که نسل آینده، این شکست را نتیجه بی‌لیاقتی و عدم کفایت انقلابیون امروز خواهند دانست و در واقع جز این هم نیست.

است که خودشان سرمایه‌های برای جاه زدن ندارند و دولت باید در این زمینه به روستائیان کمک کند. در اطراف روستا، عشایر هم هستند که از راه دامداری گذران می‌کنند، ولی وضع آنها هم از اهالی روستا بهتر نیست.

فعالیت یکماهه بنگاه توسعه ماشین‌های کشاورزی همدان

رئیس " بنگاه توسعه ماشین‌های کشاورزی استان همدان " در پی تماس با خبرگزاری پارس میزان فعالیت‌های یکماه گذشته این بنگاه را به شرح زیر اعلام نمود:

- ۱- فروش انواع تراکتور، تریلر، گاو آهن و دیسک به کشاورزان ۵۴ دستگاه.
- ۲- تعویض ۹۲ قلم لوازم یدکی به طور رایگان به ارزش ۱۲۵۵۲۰ ریال.
- ۳- انجام تعمیرات کلی و جزئی انواع تراکتور، پمپ استارت و دینام به طور رایگان یا با دریافت مزد، ۱۱۹ دستگاه.
- ۴- انجام سرویس‌های مجانی تعمیر گاهی ۳۵ دستگاه، همچنین انجام سرویس‌های انواع تراکتور ۲۸ فقره.
- ۵- وارد کردن ۱ دستگاه تراکتور و ادوات و آموزش و سرویس و طرز نگهداری تراکتور به ۳۵ نفر از کشاورزان و خریداران و داوطلبان آموزش فنی.

چرا در ساختمان پل چم سنگر تاخیر می‌کنید؟

الیگودرز - ۶۰ هزار نفر از عشایر لرستان که در مسیر همیشگی خود از بیلاق به قشلاق و بالعکس و برای حمل آذوقه و احتیاج خود باید از پل چم سنگر عبور کنند، به علت خرابی پل مزبور شدیداً در مضیقه هستند. این پل که تنها راه عبور بخش ماهرود الیگودرز است بر اثر اطمینان رودخانه خراب شده‌است و با وجودیکه قرار داد باز سازی پل چندی پیش توسط استاندار با پیمانکار مربوطه منعقد شده است، ولی معلوم نیست که چرا تا کنون اقدامی جهت ساختمان آن صورت نگرفته است.

درگیری بین روستائیان منجر به کشته شدن یکی از زحمکشان شد

فارس - چندی پیش پهنال درگیری بین یک نفر از اهالی کوه مره سرخی با عده‌ای از افراد ظایفه " گله زن "، جریان برادر کشی در این ناحیه به راه می‌افتد. در این درگیری یک نفر از زحمکشان کشته می‌شود و با میانجیگری سپاه پاسداران شیراز، درگیری پایان می‌یابد. اگر مسئولین به این واقعه رسیدگی نکرده و مسببین حادثه را مجازات نکنند، چه بسا که فاجعه ناگوازی رخ بدهد.

اوجگیری اعتصابات کارگری در آرانیا

زوهانسورگ - به دنبال اخراج ۶۰۰ کارگر سیاه پوست، کارگران نیرو گاه برق " اورلاندو " در نزدیکی شهرک سیاه پوست نشین " سووتو " با طرح در خواست افزایش دستمزد دست به اعتصاب زدند. آنها خواستار افزایش دستمزد هفتگی خود از ۴۳ دلار به ۷۵ دلار می‌باشند. کارخانه " ساسول " نیز حدود ۱۰۰ تن از کارگران را که اکثراً سیاه پوست بوده‌اند اخراج کرده است.

این در حالی است که به دنبال بالا گرفتن موج اعتصابات کارگری در " آرانیا "، که در سالگرد شورش خونین شهرک " سووتو " با نا آرامی‌های عمومی در این کشور همراه شده است، پلیس نژاد پرست آفریقای جنوبی به سر کوب وحشیانه و گشتار میهن پرستان سیاه و اخراج‌های جمعی کارگران دست زده‌است. در هفته گذشته، پلیس نظامی یک کارگر سیاه پوست را به قتل رسانید و به دنبال آن، کارگران سیاه پوست در یک موج نا آرامی یک کارمند سفید پوست را کشتند و خسارات زیادی که بیش از ۳۰۰ هزار دلار تخمین زده شده است، به بار آوردند.

نظام فاشیستی نژاد پرست حاکم نیز در مقابله با اعتصابات و نا آرامی های موجود به اخراج جمعی کارگران سیاه دست می‌زند. بی آمد اخراج های اخیر این بوده که ۹۰،۰۰۰ کارگر سیاه پوست شهرداری بسه عنوان همبستگی با کارگران اخراجی، تهدید به اعتصاب کرده‌اند!

بازهم درباره انشعابات اخیر چریکها و افشاء حزب توده

حزب توده و خط امام!

مقاله‌ای از
انقلاب اسلامی

با مصدق را هنوز زیر دندان دارد ، با راهنمایی رفقای روسی ، به این جمع بندی میرسد که برای جلوگیری از هرگونه تداعی گذشته‌ها در اذهان جامعه و در عین حال برای کسب مشروعیت و اجازه فعالیت سیاسی ، خود را " پیرو خط امام " معرفی نماید .

و بدین ترتیب این حزب از یگسو به پاک نمودن دامان خود از گذشته‌ها همت می‌گمارد ، از سوی دیگر از هیچگونه تخریب برای تنگ نمودن عرصه بر جمهوری اسلامی احتراز نمی‌کند و از جانب سوم آرام آرام تلاش همسه جانبه‌ای را برای همم و بلعیدن نیروها و سازمانهای جوان و بی تجربه " چپ " آغاز میکند .

در مورد آخر ، فعالیت‌های حزب به نتیجه میرسد و بخشهای عمده‌ای از نیروهای چپ بتدریج و در مراحل مختلف ، به تقدیر محتوم خود گردن می‌نهند .

ولی در موارد اول و دوم و بویژه در مورد اول حزب توده ، برغم تمامی مانورها و بندبازیهای سیاسی ، با توفیق رفیق نیست . در خصوص تارک شگنی در امور اگر هم مختصر موفقیتهای نصیب او شده باشد بیشتر ناشی از بازی قدرتی است که گروه مشخصی در جامعه آغاز کرده‌اند .

مشخصا گفته شود که حزب توده و روسیه که در یافته‌اند بنی صدر و برنامه‌های او بهمان میزان که برای آمریکا زیان بار است برای روسیه نیز خطر دارد ، به گویندن و تضعیف بنی صدر دل بسته‌اند . آقای گیانوری در مصاحبه‌ای با روزنامه لوموند و پس از انتخاب بنی صدر به ریاست جمهوری می‌گوید : " ما بنی صدر را سرنگون خواهیم کرد " . البته ایشان عادت دارند خوابهای خوش خود را برای دیگران نیز نقل کنند . اما همین آشفته گوئی خود نشان میدهد که آسمان ریسمان -

در شماره گذشته رنجبر خلاصه مقاله‌ای را از روزنامه اطلاعات در باره انشعابات اخیر چریکها چاپ رساندیم و در مقدمه آن نوشتیم که نیروهای استقلال طلب ایران اعم از اسلامی ، ملی و یا سوسیالیستی به ماهیت روسی انشعابات اخیر عمیقا بی برده‌اند و روزنامه‌های استقلال طلب با چاپ مقالات متعدد در این باره اذهان عمومی را نسبت به این جریان عوامفریبانه روشن ساختند .

در شماره امروز رنجبر قسمتهایی از مقاله‌ای را بقلم آقای سید حسین نواب صفوی در همین باب به چاپ رساندیم . این مقاله گذشته از افشاء ماهیت انشعابات اخیر به روشن ساختن نقش حزب توده پرداخته است . این مقاله در روزنامه انقلاب اسلامی یکشنبه ۵ مردادماه بجاب رسیده بود که قسمتهایی از آن را ملاحظه می‌کنند .

بسم الله الرحمن الرحيم
انشعابات اخیر در درون گروهها و نیروهای " چپ " با همه قابل پیش بینی بودنش هنوز در جامعه بدرستی مفهوم نشده است بسیاری این حرکتها را نشانه بر سر عقل آمدن این گروهها می‌پندارند ، در نزد برخی دیگر این انشعابات چیزی جز یک مانور سیاسی بمنظور ادامه حیات گروهها در جامعه نیست .

اما واقعیت امر اینست که حرکت سیاسی نیروهای " چپ " در ایران مجرای طبیعی و محتوم خود را پیدا کرده است

" این انشعابات نشان میدهد که حزب کهنه‌کار توده - قهرمان گارگنی و خیانت به نهضت ملی ایران حاکمیت و استیلای ایدئولوژیک سیاسی خود را بر احزاب خرد ریز دیگر استوار

رهنمودهائی درباره کار سیاسی و سازماندهی در میان کارگران

با چند کارگر هوادار " رنجبر به گفت و گو می‌نشینیم تا با هم بتوانیم به سوال زیر پاسخ بگوئیم : چگونه باید در وضع کنونی کارخانه‌های ایران به کار سیاسی در میان کارگران پرداخت ؟

چگونه باید به سازماندهی در میان کارگران در کارخانه پرداخت ، تبلیغات را چگونه باید به پیش برد ، سازماندهی را از کجا باید آغاز کرد ؟ (این سوالات از جمله سوالاتی است که در " رنجبر " ۶۷ در مقاله " کارگران چه انتظاراتی دارند ؟ " مطرح شده و تا کنون به چند سوال پاسخ داده شد)

یکی از آنها که دبلمه‌ی کارگر شده است می‌گوید ، من امید زیادی نداشتم که بتوانم معنی واقعی کارگر بشوم ولی در عمل با کمک کارگران تدریجا به محیط کارخانه و کار و زندگی کارگران اخت گرفتم و امروز می‌توانم خود را کارگر بنامم . او می‌گوید کار در میان کارگران از یک جنبه کار مشکلی نیست : کارگران تحت انواع و اقسام فشارهای روحی و جسمی هستند ، بسدت استثمار می‌شوند و هنوز در کارخانه های ما ستم بیداد می‌کند و حتی در ۶ ماه گذشته تدریجا ستم بر کارگران افزونی یافته است . در نتیجه به علت استثمار و ستم شدید ، نطفه‌ی مقاومت در میان کارگران خود بخود موجود است ، کارگری را پیدا نمی‌کنی که به معنی واقعی از وضعیت راضی باشد ، همه‌ی کارگران بدون استثنا مشکلات دارند : هراس از اخراج ، هراس از بازنشستگی بی‌موقع ، هراس از بیماری و مرض ، هراس از تورم سرسام آور ، هراس از بی مسکنی ، هراس از علیل و ناقص شدن بر اثر حادثه در کارخانه و هراس از صدها مساله دیگری . کارگران در این جامعه‌ی بسد از انقلاب هم همچنان مشکلات دارند و همچنان هراسانک از آنها بسر می‌برند . در نتیجه به مجرد اینکه دست روی دلشان می‌گذاری فریاد شان بلند می‌شود و از رنج ورنجها سخن می‌گویند . علاوه بر این کارگران در کارخانه به اهمیت شکل و کار نظم تدریجا بی می‌برند و بهمین خاطر قدرت انضباط آنها بیشتر از دیگر اقشار طبقات است و به زودی م‌توان آنها را متشکل ساخت . اس .

گروه فعال بوجود آورد و همانطور که در مقاله‌ی دیگر در رنجبر بود وظیفه ساخت از محیط کار را در دستور قرار داد .

کارهایی را که یک فرد آگاه ، با یک جمع آگاه باید برای کار کردن در میان کارگران انجام دهند بقرار زیر است :

۱- تحقیق و بررسی همه جانبه از وضع - تا حد تعیین کردن تضاد های مختلف و چگونگی حل آنها (رجوع شود به مقاله " کلید اتحاد بزرگ ملی در دست کارگران است " رنجبر ۷۶)

۲- کار باید طولانی - کار در میان کارگران یک کار تمام عمری باید باشد . برای آگاهی بخشیدن و متشکل ساختن کارگران باید برای مدت طولانی کار کرد . توده‌های کارگر در تجربه و مبارزه‌ی خود است که تدریجا آگاه شده و متشکل می‌شوند و درست بهمین خاطر عناصر آگاه باید در محیط کار و زندگی بمدت طولانی همراه آنها باشند و آنها را در جریان کار و مبارزه کمک دهند تا مسائل را بهتر درک نموده و امور خود را بهتر بدست گیرند و متشکل شوند . بعضی ها هستند که به کار طولانی و تمام عمری نمی‌خواهند بپردازند ، سیاست " از هر چمن کلی " را در پیش می‌گیرند . معمولا چنین افرادی قادر نمی‌شوند کار زیادی انجام دهند . بخصوص اگر این افراد از خارج به درون طبقه کارگر رفته باشند . جلب اعتماد کارگران خود مدت نسبتا طولانی را طلب میکند .

۳- کار منظم ، دقیق و مشخص کلید کار میان زحمتکشان است . زحمتکشان مردم بیگنیری هستند و جدی بودن افراد را با همین معیار می‌سنجند . هر حرفی را که می‌زنیم باید در عمل پیاده کنیم ، کم بگوئیم و زیاد عمل نمائیم ، آنها بطور دقیق ، باید حتما دست بر هر کاری می‌زنیم نتیجه ملموس و عملی بدهد . تنها با کار مشخص و دقیق است که ما می‌توانیم به نیازمندی های واقعی کارگران بی ببریم ، طبق وضع روحی و درجه‌ی فعال بودن آنها کمک کنیم تا آنها متشکل شوند و مبارزه برای مشکلات و خواست های خود را قدم بقدم به پیش برند . کسب سعه‌ی د ، انجام کامیاب ، ات

نفس را در میان آنها بالا ببریم .

۷- ما باید به کارگران کمک کنیم تا خود متشکل شوند و امور را بدست گیرند . ما نباید بجای آنها کار کنیم و طوری جلوه نمائیم که بدون ما آنها قادر به انجام هیچ کاری نیستند ، باید دائما به آنها کمک نمائیم تا کارهای خود را جمع بندی نمایند و از این طریق درک کنند که آنها هستند که دارند تولید را جلو برده و سازمان جامعه را در اساس بر دوش می‌کشند . در هر کار مشخص آنها را تشویق نمائیم تا خود امور را بدست گیرند . دائما روی دست - آوردهای آنها تاکید نمائیم ، جوانب مثبت آنها را برجسته کنیم و دست - آوردهایشان را مکرر در مکرر گوشزد نمائیم .

۸- باید با کار ایدئولوژیک و از طریق زندگی روزمره به کارگران بفهمانیم که چه رسالت تاریخی برای ادامه انقلاب بهمیده دارند . باید به آنها بفهمانیم که طبقه کارگر ایمن و وظیفه را تنها با داشتن تئوری - یعنی علم رهایی زحمتکشان و وحدت و تسکینات می‌تواند اجرا نماید و در این رابطه با زبان ساده باید تدریجا مواضع نقطه نظرها و اسلوب کار حزب را به میان آنها ببریم .

۹- باید به مساله تقسیم کارگران ، به پیشرو ، میانه و عقب مانده توجه کنیم ، سعی کنیم دو سر نخ را محکم در دست بگیریم یعنی هم در میان پیشروان کارکنیم و هم در میان عقب مانده‌ها . تنها با کار میان این دو طرف است که میشود تمام نخ را در دست داشت . چنانچه فقط یک سر نخ را در دست بگیریم ، در حقیقت سر نخ را در دست نمی‌توانیم داشته باشیم و کل را از دست می‌دهیم . پیشرو تنها در رابطه با میانه و عقب مانده است که پیشرو بودن خود را می‌تواند حفظ نماید .

۱۰- باید طبق شرایط مشخص کار کرد و از هرگونه التو برداری پرهیز نمود . در کشور ما آموزش عالی عجبیبی موجود است . کارخانه بسا کارخانه ، محله با محله فرق فاحشی یا هم دارند . باید به مساله‌ی سن و آداب توده‌ها توجه جدی کرد و طبق سطح و روحیات آنها ، آنها را به مبارزه جلب نمود و متشکل ساخت .

۱۱- در جریان کار میسران

نحوی حکایت از توفیق حزب کمونیست شوروی در هنگام نمودن این "نوجوانان" مخالف "خود" دارد. در یک مورد مشخص، سازمانی که از زبان یکی از رهبران اولیه خود (احمدزاده) حزب توده را "خائن و سازشکار و پورتونیست" می نامد پس از چند سال سرگردانی در میان تئوریهای احمدزاده و جزئی وحید-اشرف سرانجام مصلحت را در این می یابد که گامی بی بسوی نزدیکی با همان حزب "خائن و سازشکار و پورتونیست" بردارد. هر چند این همگرائی و همخوانی با تغییرات لفظی و جدالیهای تبلیغاتی همراه باشد. در واقع این جدالیهای لفظی و برخوردی روزنامه‌های خود پرده دیگری از ستاریوی فوق است. بر کارگردان چیره دست و با مهارت این ستاریو روسیه و عامل داخلی آن حزب توده (واضح است که در صورت ادغام و بلعیدن علنی سازمانهای رادیکال، "حزب مادر" قابلیت جذب آندسته از نیروهای جوان را که فعلا "با مواضع سازشکارانه" و "مماشات طلبانه" او سرسازگاری ندارند، و در عوض به شعارهای تند و مواضع "چپ" سازمانهای دیگر (نظیر چریکهای فدائی) که "گوله‌باری از مبارزه خونبار طبقه‌ای" را نیز بردوش دارند، دل می‌بازند، از دست خواهد داد. بنا بر این منطقی بنظر میرسد که چریکهای فدائی بر سر عقل آمده، موضعی نسبتاً "رادیکالتر" از حزب توده داشته باشند و بدینوسیله ضعف حزب توده را که با سیاستهای میخ و نعلی خود جوانان احساساتی تندرو را میرنجانند و فراری میدهد، بیوشانند.

البته این ظریف گاریها نیز به ایران محدود نمیشود و در بسیاری از کشورها که احزاب کمونیست فعالیت دارند، نظیر لبنان، روسیه ترجیح میدهد که از سیاست دوحزبی، یک حزب محافظه کار و جا افتاده، و یک حزب (سازمان) تندرو و افراطی بهره جوید. بطوریکه هر یک از این احزاب بمنزله سویاپ اطمینانی برای دیگری عمل کنند...

مقاله در ادامه خود به افشاها ماهیت حزب توده و سیاست‌های روزیانه آن پس از انقلاب می‌پردازد و در این باره می‌نویسد: ".... در پی پیروزی انقلاب اسلامی ایران و فراهم آمدن جو آزاد سیاسی، حزب توده که طعم تلخ مقابله

از جمهوری اسلامی و امام و دولت ... تا چه اندازه مقرون به صحت است. اما دست حزب توده پیش از اینها و هنگامی روشده است که با اصرار تمام بر در خط امام بودن خود تاکید می‌ورزد. در واقع از دو مشخصه اصلی خط امام، غربی نبودن و شرقی نبودن، حزب توده فقط غربی نبودن آنرا می‌پذیرد و بناچار هنگامیکه خط امام در تضاد با منافع خط شرق قرار میگیرد، مانند مسئله افغانستان، حزب توده خط امام و ذاعیه در این خط بودن را بفراموشی میسپارد. در زمینه پیروی حزب توده از خط امام سخن بسیار است، اما نظریه اهمیت اشغال افغانستان توسط روسیه، در اینجا الزاما به موضع حزب توده در قبال این مسئله اشاره خواهیم کرد.

هر چند تشریح کامل مسئله افغانستان نیازمند رجوع به پس منظر تاریخی قضیه و تحلیل سیاستهای روسیه در هنگام حکومت ظاهر شاه، بقدرت رسیدن داودخان، سقوط وی، قدرت یابی احزاب خلق و پرچم (تره‌گی، امین و گارمل) میباشد، اما در یک کلام و بطور خلاصه، واقعیت اینست که روسیه علیرغم امال و آرزوهای ملیت‌های افغانستان، این کشور را به تصرف نیروهای اشغالگر خود درآورده است و مردم افغانستان با توسل به اسلام بدفاع از حریت و آزادی برخواستند و در برابر انتظار شگفتی‌زده جهانیان، قوای نیرومند و تجهیز یافته روسیه را منکوب اراده قاهر خوش ساخته‌اند.

اگر برای بسیاری، دفاع از ماهیت تجاوزگرانه و توسعه طلبانه عمل روسیه و وابسته و انمود ساختن مردم محرومی که با چنگ و دندان از حیثیت و شرف و ناموس خود دفاع میکنند، شگفت تلقی میشود برای حزب نوگرفتی چون حزب توده که جز "الف" اطاعت، از اسناد خود حرفی نیاموخته است، و اصراری هم بر پوشاندن این اطاعت نمی‌ورزد، پشتیبانی وقیحانه از تجاوز روسیه و به استهزای گرفتن نمایش با شگوه انسانیت و مقاومت تاریخساز مردم افغانستان، چندان استعادی ندارد. اما آنچه که غیر عادی و نامانوس بنظر میرسد، حمایتی است که برخی از سازمانهای مسلمان و آقایان برضد لیبرالیسم "پیمان" بسته، از تجاوز

که مردم افغانستان با روسیه و دولت بی شخصیت بزرگ گارمل همدل و هم رأی‌اند و این فتودالها و نوکران آمریکا هستند که مخالفت می‌ورزند، پس چرا ارتش ۸۵ هزار نفری روسیه که تا بعد از الحاقیکه به ۲۰۰ هزار نفر افزایش پیدا خواهد کرد، و لابد از پشتیبانی مردم مستضعف و بی‌ولتاریای دهقانی افغانستان نیز بهره‌مند است. پس از پنج ماه هنوز نتوانسته است این چند فتودال دست نشانده را از میان بردارد و هر روز بیشتر از روز پیش با مشکل روبرو شده‌است. اگر این مردم هم دل و هم رای بزرگ گارمل هستند و فقط فتودالها مخالفت می‌ورزند، چرا حساب فتودالها را بخود مردم واگذار نمیکنند؟ اگر آنچه میگویند واقعیت دارد، چه نیازی به ارتش ۸۵ هزار نفری؟ و اگر نه،

واقعیت اینست - وهست - که روسیه بمنظور حفظ منافع خود، دولتی ضد مردمی را بر خلقهای افغانستان تحمیل کرده است و این جنگ خانمانسوز از این روست، آیا دفاع از عمل روسیه، دفاع از یک سیاست استعماری نیست؟ و آیا این با مفهوم نه شرقی، نه غربی که اساس خط امام را تشکیل میدهد، در تضاد نمیشود؟ و شما معتقدید حامیان واقعی خط امام هستید؟ از این بازیها شرم نمیکنید؟ و هنوز می‌پندارید یک ملت بیدار و بپاخاسته فریب این علق زدنهارا، که بیشتر به تمرین ژیمناستیکهای تازه کار شباهت دارد، خواهد خورد؟! و آیا جامعه‌ای که برای دستیابی به استقلال صدها هزار شهید داده است میتواند این سیاست بازیها را تحمل کند؟ حزب توده باید بگوید تفاوت خط او بین حال و دوران مصدق در چیست؟ مگر در دوران مصدق اساس خط شما بر اجرا و اعمال سیاستهای روسیه نبود؟ اکنون که مدعی هستید در خط امامید، چه تفاوتی با آن زمان کرده‌اید؟

اگر پشتیبانی از جنایات روسیه در افغانستان، دنباله روی از سیاست روسیه نیست، پس چیست؟ و اگر هست، پس چگونه ادعای پیروی از خط امام را میکنید؟ آیا جز این است که به انقلاب، به توده‌ها، به شهدا، و به تاریخ دروغ میگوئید؟

سید حسین نواب صفوی

اما جنبه‌ی نا مساعد هم موجود است: کارگران بعلت همان هراس‌ها و مشکلات زندگی، به علت عقب ماندگی فرهنگی و از همه مهمتر بعلت نفوذ افکار غیر کارگری در میان آنها از تشکیلات سیاسی از فعالیت حزبی، بخصوص فعالیت زیر نام حزب کمونیست و یا تشکلهایی که مربوط به آنها می‌شود فعلا دوری می‌جویند. در ماههای اخیر ایجاد جو خفقان و برجسب زنی و حملات همه جانبه به نیروهای استقلال طلب و چسب، شرایط را به نوعی نا مساعدتر ساخته است.

در نتیجه برای کار در میان کارگران هم عوامل و شرایط مساعد موجودند و هم عوامل و شرایط نا مساعد. در اینجا نقش افراد سازمان ده تعیین کننده است. آنها هستند که با کار دقیق خود میتوانند عوامل مثبت و شرایط مساعد را بخوبی بکار اندازند و ندریجا عوامل و شرایط نامساعد را کم کنند و یا از بیسیس بردارند. بنظر من برای کار موفقیت آمیز در میان کارگران اولین کاری که باید کرد باید یک حوزه حزبی یا یک

مقاله‌ای از جمهوری اسلامی

حاشیه نویسن روزنامه جمهوری اسلامی در شماره شنبه ۴ مرداد ماه خود مطلبی مندرج کرده تحت عنوان "رفقا خط و نشان می‌کشند!" در این مطلب حاشیه نویسن گذشته از آنکه گستاخی‌های رهبری حزب توده را نسبت به نیروهای استقلال طلب طرفدار انقلاب افغانستان به خط و نشان کشیدن دار و دسته فوق الذکر علیه انقلاب ضد امپریالیستی ما در نیروهای مردمی به آن تعبیر می‌کند، در عین حال یک نقطه نظر اساسی را در مبارزه علیه امپریالیسم که بدون درک آن انقلاب ایران قادر به حفظ اصالت و تداوم خود نیست را تشریح می‌نماید و نظریه اتکا به یکا بر قدرت برای مبارزه با ابر قدرت دیگر را قاطعانه افشا می‌کند. در زیر عین مطلب مندرج در روزنامه مذکور را برای استفاده خوانندگان درج می‌کنیم.

سید حسین نواب صفوی

۱- باید هم در عم و مشکلات توده‌ها و هم در شادی آنها شریک شد. بدون چنین پیوند عمیقی نمی‌توان توده‌ها را معنی واقعی به حزب نزدیک نمود و آنها را به کار سیاسی منظم و جدی کشاند.

۲- باید به مسایل و مشکلات زندگی کارگران توجه جدی نمود. کارگران کشور، همانطور که در بالا یادآور شدیم، با مشکلات بسیاری در زندگی روزمره روبرو هستند. هرکس که می‌خواهد به کار سیاسی در میان آنها بپردازد باید از این مشکلات حرکت نماید، به آنها کمک کند تا این مشکلات را تا حدی حل نمایند. گاهی اوقات این مشکلات برای توده کارگر بقدری سنگین‌اند که آنها را در مقابل مبارزه اجتماعی و کار سیاسی بی تفاوت می‌سازد.

۳- باید از همان آغاز اعتماد به نفس در میان زحمتکشان را بالا برد. سنم طولانی و دیکتاتوری طولانی بر توده‌های زحمتکش، روح اعتماد بنفس در توده را گشته‌است. وظیفه ماست با کار مشخص در میان آنها، قدرت واقعی آنها را به خودشان بشناسانیم و اعتماد به

سیاسی و فکری را در صورت امکان، اوضاع کل جنبش کارگری توجه داشت. آیا در حال اعتلاست؟ آیا در حال افول است؟ و در چه مرحله از اعتلاست و یا چه مرحله از افول می‌باشد؟ اوضاع در کشور ما دائما در تغییر است و این تغییرات حتما تاثیر خود را در سطح مبارزات مشخص می‌گذارد و ما باید در این مورد دقیق عمل کنیم.

۱۲- باید کار توده‌های را با کار سازماندهی حزبی همسو و همراه ساخت و کار توده‌های را تحت هدایت سازمان حزبی به جلو برد. بدون سازمان حزبی، موفقیت‌های کار توده‌های ما، هر چقدر هم عظیم باشد در آخر با شکست روبرو خواهد شد و متقابلا بدون کار توده‌های موفقیت‌آمیز کار سازماندهی حزبی ما جلو نخواهد رفت. این دو کار لازم و ملزوم یکدیگرند و باید طبق شرایط مشخص به همدیگر کمک نمایند و کار یکدیگر را تقویت کنند. سازمانده خوب کسی است که میتواند مناسبات صحیحی میان این دو کار برقرار نماید.

(ادامه دارد)

رفقا خط و نشان می‌کشند!

روسی تشکیل شود الزاما از نوع حکومت بختیار خواهد بود. حاشیه نویسن ابتدا قسمتی از تفسیر را که حزب توده در این زمینه مطرح کرده است، عنوان می‌کند و در پایان چند سؤال از حزب توده می‌نویسد: "واقعیت این است که اولاً بر انداختن نظام گنونی در افغانستان امکان ناپذیر است و تنها این اقدامات به ناتوان تر کردن و ضربه خواهد انجامید و ثانياً اگر هم چنین نقشه‌ای بتواند عملی شود آنچه بجای نظام گنونی خواهد آمد، حکومت ظاهر شاه و اوپسی‌ها و پالیزبانها و بختیار-های افغانستان خواهد بود. باین ترتیب دولتمردان با موضع گیری خود در مورد رویدادهای افغانستان عملا بر سر شاخ نشسته و با اره‌ای تیز به بریدن این شاخه مشغولند. به همین جهت ارزیابی اشتباه آمیز رهبری ضد امپریالیستی و خلقی ایران درباره رویدادهای افغانستان و سیاستی که بر پایه بقیه در صفحه ۲



مجاهدین افغانی می گویند: ما راه شهادت را برگزیده ایم و شکست ناپذیریم

سوسیال فاشیست های روسیه با «آمریکائی» خواندن مبارزان افغانی و پاکستان برای سرکوب وسیع مردم افغانستان و حمله به پاکستان زمینه سازی می کنند

سردمداران تزارهای نو در کرملین چون سایر توسعه طلبان هنگام تجاوز به افغانستان و اشغال این کشور دچار دو اشتباه بزرگ شدند، یکی برپه دادن به نیروی جنگی خود و دیگری کم بها دادن و حتی بحساب نیاوردن قدرت مقاومت خلق و توده های مردم افغانستان.

ارتش صدهزار نفری روس که با آخرین سلاحهای جنگی مجهز بود اکنون قریب به هفت ماه است که در خاک افغانستان جولان میدهد و با هواپیماها، هلی کوپترها و تانکها بر سر مردم بی تپناه و بی دفاعه می میریزد و قرا و قصبه را با خاک یکسان میکند.

حدود یکماه پیش دستگاههای تبلیغاتی کرملین بابوق و کرنا اعلام کردند که گویا قصد دارند بخشی از نیروهای خود را از افغانستان خارج کنند. اما اتفاقات بعدی بوضوح نشان داد که روسها تنها دست به تعویب بخشی از نیروهای خود زده و در حقیقت تاکتیک جنگی خود را تغییر داده اند.

بیمارت دیگر روسها در عرض اینمدت نه تنها قادر به سرکوبی جنبش رهایی بخش مردم افغانستان نشده اند بلکه متحمل بیش از ۴۵ هزار کشته و از دست دادن مقادیر زیادی مهمات و سازوبرگ جنگی شده اند.

مرتجعین هرگز قادر به درک این واقعیت نیستند که اگر یک

اقتصاد امپریالیسم آمریکا در سرانگشایی انحطاط

اخیرا دولت کارتر یا هر نوع قطع یا کاهش مالیات در آمریکا مخالفت نموده و رسماً اعلام کرد که در سال مالی ۱۹۸۱ نه تنها توازن بودجه موجود نیست بلکه ۳۰ میلیارد دلار نیز دولت کسر بودجه خواهد داشت.

علاوه بر این دولت آمریکا اظهار داشته است که کسر بودجه سال مالی ۱۹۸۰ که ۳۶/۵ میلیارد دلار تخمین زده می شد به ۶۱ میلیارد دلار ترقی کرده است.

بطوریکه مقامات دولتی ارزیابی کرده اند این امر عمدتاً بخاطر رکود، افزایش مخارج دفاعی و نیز سیل پناهندگان کوبایی به آمریکا و ریزش کوه سنت هلن بوده است.

دولت کارتر در ارزیابی بودجه شش ماهه اول سال جاری تعداد بیکاران را تا پایان امسال ۸/۵ درصد پیش بینی کرده است. هر چند که بعضی از اقتصاد دانان غیر رسمی پیش بینی می کنند که درصد بیکاری به ۹ خواهد رسید.

حتی اگر درصد بیکاری از ۸/۵ هم بالاتر نرود این میزان به مراتب از ۷/۲ درصدی که کارشناسان اقتصادی کارتر در ماه مارس گذشته پیش بینی می کردند بیشتر است.

پیش بینی میشود که رشد اقتصادی نیز در سال جاری به ۳/۱

درصد تنزل کند و سپس در سال ۱۹۸۱ به ۲/۶ درصد تنزل کند. این در حالیست که تورم بین چهار ماهه آخر سال ۱۹۷۹ و چهار ماهه آخر امسال به ۱۲ درصد خواهد رسید که قدری کمتر از رقم پیش بینی شده است.

شاخص افزایش قیمت کالاهای مصرفی در حال حاضر رقمی معادل ۱۰/۹ درصد در سال را نشان میدهد. رکود، بیکاری، تورم، افزایش قیمت ها و کسر بودجه و ... همه از امراض علاج ناپذیر و بی درمان سیستم پوسیده سرمایه داری است و تا این سیستم یا برجا است همیشه با این مشکلات روبرو خواهد بود.

اقتصاد سرمایه داری اقتصادی است مریض و رو بزوال که هرچه عجزش طولانی تر شود گنده گیی و فسادش نیز بیشتر خواهد شد. سوسیالیسم تنها سیستمی است که قادر به ایجاد اقتصادی سالم و شکوفا در آمریکا است.

افزایش نیروهای نظامی شوروی در سوریه

سه گام بزرگ نظامی شوروی در سوریه: فروش اسلحه - سفر هیئت های نظامی - افزایش سربازان

سوریه حلقه هائی از سیاست نواستعماری امپریالیسم شوروی را در سوریه و ساز-شکاری رژیم حافظ اسد را نشان میدهد.

هدف سوسیال امپریالیسم شوروی از برداشتن این سه گام بزرگ نظامی در سوریه چیست؟ و آیا تمام شواهد دامن زدن جنگ در خاور میانه را از طرف شوروی نشان نمی دهد؟ خاور-میانه یکی از کانونهای حساس و استرات-ژیک است.

«رنجبر» به حمایت توده ها متکی است

«رنجبر» بخاطر موضع فاطح استقلال طلبانداش و بخاطر دفاع بیگرنش از منافع خلق همواره مورد پشتیبانی مردم قرار گرفته و روز بروز نفوذ بیشتری در میان مردم می یابد. بخصوص همزمان با موج حملات اخیر عده های غیر مسئول و خودکامه به دفتر رنجبر و توطئه و پرونده سازی های مشکوک علیه آن، موج پشتیبانی مردم از «رنجبر» افزایش چشمگیری داشته است.

ما گزارشهای زیادی در این مورد داریم که نمی توانیم همه را منعکس نمائیم. در اینجا تنها به درج چند نمونه اکتفا می کنیم:

در حاشیه حمله به دفتر حزب رنجبران ایران در اهواز نه انحصار طلبی، نه قدرت طلبی، زنده باد اتحاد بزرگ ملی

خواهیم ایستاد زیرا اینها در واقع با این اعمال خود زمین را برای کودتاهای دیگری آماده خواهند ساخت. ... در این هنگام آن عده شروع به دادن شعار مرگ بر شوروی، مرگ بر آمریکا کردند و مانع با آنها همصدا شده و خیلی محکمتر از آنها همان شعار را سردادیم. آنها سپس شعارشان را تغییر دادند و مرگ بر کمونیست را سردادند، ما بلافاصله یکصدا و رسماً شعار راستین "درود بر کمونیستهای استقلال طلب" را دادیم و در همین حال برای مردم توضیح دادیم که اینهائی که ادعای مبارزه برای ادامه انقلاب را می کنند باید بدانند بدون وحدت با سایر نیروهای استقلال طلب از جمله حزب رنجبران ایران هرگز به پیروزی دست نخواهند یافت و مبارزه آنها علیه روس و آمریکا بزودی قاطعیت خود را از دست خواهد داد و تنها به صورت یک شعار باقی خواهد ماند. عده های از هواداران چپ نماها هم که روزها در خیابانها مارا میشنند میگردند، آنروز و در هنگام آن واقعه درکناری ایستاده و حاج و واج بنماشای مادر دفاع از استقلال و آزادی میهن عزیز مشغول بودند.

بدنبال سرعت و تخریب دفتر رنجبر در اهواز در ۲۷ تیرماه، اعلامیه های با عنوان "تکلیف مردم را روشن کنید" به همراه تلگرام حزب به ریاست جمهوری از طرف اعضا و هواداران حزب رنجبران تکمیل و در سطح شهر اهواز پخش گردید. پخش این اعلامیه ها با استقبال شدیدی از جانب مردم روبرو شد و اکثر از اینکه محیط کشور ما با وجود داشتن رئیس جمهور، دولت، مجلس و قوای انتظامی شاهد انجام چنین اعمال خودسرانه ای است اظهار تأسف میکردند.

مردم درباره باز دیده های خود از دفتر حزب در اهواز همدردی خود را با اعلام میکردند. چند نفری هم از انحصار طلبی و قدرت طلبی بودند که اعلامیه ها را باره می کردند و از پخش آنها میان مردم میترسیدند.

روزی ۲۸ تیر در حالیکه به همراه چند تن از رفقایمان در اهواز مشغول پخش اعلامیه ها بودیم، سروکله گروهي متشکل از ۱۲- ۱۰ نفر که اکثر از زیر ۱۹ سال بودند پیدا شد و شروع به باره کردن اعلامیه ها کردند. مردم اطراف بشدت اعمال آنها را محکوم میکردند ولی آنها بدون توجه به نظرات مردم بگارشان ادامه میدادند. آنها سپس ما را تهدید به بردن به کمیته کردند و گفتند که شمارا همانجائی خواهیم فرستاد که دیگران را فرستادیم! ولی ما در جواب، آنها را دعوت به رفتن کردیم که با مخالفت آنها

مادرمیان جمعیت درافشاگری این شیوه مطرود انحصار طلبان و قدرت طلبان بسیار موفق بودیم و آنها نیز در میان مردم منفرد گشته بودند

تفنگ بردارد و زمین خود با سداری کند هیچ نیرویی راپارای شکست دادن آن نیست. این مطلب را یکی از چریکهای مجاهد افغانی بنام مالک صمد که در جبهه جنگ از ناحیه پابسختی مجروح شده و در یک خانه محقر در مانتگاهی در پیشاور (پاکستان) بستری بود اینطور بیان میکند "ما راه شهادت را برگزیدیم. ایم، چطور ممکن است شکست بخوریم؟"

از جانب دیگر رژیم دست نشانده ببرک کارمل که توسط ارتش اشغالگر روس بر مسند قدرت نشسته نیز نه تنها دودی ز برای مسکو و دو انگر د بلکه ارتش ۸۵ هزار نفری اش هم در حال از هم پاشیدگی است و عملاً اوبه عامل بی اختیار تبدیل شده است.

در چند هفته اخیر تضاد میان ببرک کارمل و حزب "پرچم" وی با حزب مزدور دیگر بنام "خلق بالا گرفته و هر کدام برای بهتر خدمت کردن به ارباب مسابقه میدهند، در اثر این درگیریها تاکنون عده زیادی از وزرا و مقامات عالی رتبه این حزب (خلق) به جوعه اعدام سپرده شده و عده زیاد دیگری نیز در چند روز آینده مشمول تصفیه خواهند شد، از جمله در چهارشنبه گذشته ۳ وزیر کابینه متعلق به "خلق" از کار برکنار شدند.

روسها و مخالفان برای فراهم آوردن چنین زمینه‌ای دست بمسئله تبلیغات وسیع علیه پاکستان و جنبش مقاومت خلق افغانستان زده‌اند. بر حسب آمارهای رسمی زدن به پاکستان و اینکه گویا اکثر سازمانهای مبارز افغانی امریکایی هستند و با امریکا رابطه دارند یا از امریکا اسلحه و پول دریافت میکنند نمونه‌ای از این تبلیغات وزمینه سازی برای سرکوب هر چه بیشتر مردم افغانستان و احیانا حمله به پاکستان است.

اینکه امیرالیسم امریکا به علت تضادش با سوسیال امیرالیسم روس و در صحنه بین المللی سعی در نفوذ در جنبش خلق افغانستان و بهره برداری از آن میکند شکی نیست اما آنچه اصولی است اینستکه جنبش بزرگ خلق افغانستان که با شعار روشن نه شرقی نه غربی علیه متجاوزین روسی نبرد میکند جنبشی است اصیل و استقلال طلبانه و انقلابی.

روسی این اصل ما از دولت جمهوری اسلامی ایران انتظار داریم تا با درک این واقعیت قاطعانه از مبارزات بحق مردم افغانستان پشتیبانی نموده و بدام تبلیغات سراپا دروغ فاشیست‌های روسی نیفتد و مردم عیب بر حسبها و تهدیدات آنها نشود.

اخبار کوتاه بین المللی

وزیر امور خارجه عربستان سعودی در مصاحبه‌ای با یک روزنامه چاپ بیروت، اظهار داشت که تا زمانیکه نیروهای نظامی شوروی در افغانستان حضور داشته باشند، عربستان سعودی حاضر به برقراری روابط دیپلماتیک با شوروی نخواهد شد. شاهزاده الفیصل وزیر امور خارجه عربستان همچنین گفت که تجاوز شوروی به افغانستان در تضاد آشکار با پشتیبانی این کشور از حقوق حقه خلق فلسطین می‌باشد و هر لحظه‌ای که شوروی این تضاد را از میان بردارد جهان سوم که کشور من عضو آن است و کشورهای اسلامی روابط حسنه را با شوروی برقرار خواهند ساخت.

با نزدیک تر شدن جنگ جهانی سوم، کشورهای جهان تدارک بیشتری برای مقابله با جنبش جنگ خانمان براندازی را می‌بینند.

شورای اتحاد کشورهای اروپای غربی در نشست اخیر خود تصمیم گرفت که محدودیت‌هایی را که پس از جنگ جهانی دوم برای المان غربی در مورد ساختن کشتی‌های جنگی قائل شده بود از میان بردارد. این محدودیتها در نتیجه شکست آلمان هیتلری در جنگ جهانی دوم بوجود آمد و ساختن کشتی‌های جنگی، زیر دریایی و کشتی‌های اتمی را در بر میگرفت. بیانیه‌ای که بدین مناسبت از طرف شورای اتحاد کشورهای اروپای غربی انتشار یافت بیان میدارد که محدودیت‌هایی که "معاهده ۱۹۴۸ بروکسل" بر آلمان قائل شده است از این به بعد خاتمه یافته تلقی می‌شود. خانم هونگ ایل جن معاون وزیر آموزش و پرورش جمهوری دموکراتیک خلق کره و سرپرست هیئت نمایندگی برای کشور در "کنفرانس زن" که از طرف سازمان

اصناف می‌دهد که امکان دارد شوروی از نیروهای ارتشی کشورهای عضو پیمان ورتو، آلمان شرقی، بلغارستان، چکسلواکی و کوبا نیز کمک بگیرد.

اتخاذ چنین تصمیمی از طرف مقامات نظامی روسی و سوری متعاقب سفر دو هیئت بلند پایه نظامی شوروی به سوریه انجام گرفت. در دو هفته گذشته دو هیئت نظامی شوروی در دو نوبت از سوریه دیدن کردند و با نظامیان سوریه گفتگوهای انجام دادند. در ماه قبل نیز یک قرار داد (۱ میلیارد دلاری فروش اسلحه بین شوروی و سوریه بسته شد. طبق این قرار داد شوروی زراد خانه سوریه را با مدرن‌ترین تسلیحات نظامی تقویت خواهد نمود. قرار داد فروش اسلحه شامل میگ - ۲۷ (آخرین مدل جنگنده‌های میگ روسی)، ۵۰۰ عدد تانکهای تی - ۷۲ (مدرن‌ترین تانکهای روسی)، تفنگ‌های خود کار، قایق‌های جنگنده، موشک‌های برد متوسط زمین به زمین و غیره می‌باشد. همچنین شوروی سالیانه ۲۵۰ میلیون دلار کمک‌های اقتصادی به رژیم حافظ اسد می‌نماید.

فروش بیش از یک میلیارد دلار اسلحه، سفر دو هیئت نظامی و بالاخره افزایش نیروهای نظامی شوروی در

ملل در کینهاک برقرار شد، امیرالیسم امریکا را در حوادث سرکوب قیام "کوانگ جو" در کره جنوبی محکوم ساخت. خانم جن امریکا را سرکرده و عامل سرکوب فاشیستی قیام و مسئول کشتار زنان بیشماری در این شهر دانست.

متعاقب اشغال نظامی افغانستان توسط شوروی، کارتر "لایحه نظام وظیفه اجباری" را به کنگره امریکا پیشنهاد نمود که در ماه گذشته بتصویب رسید و کنگره امریکا بودجه کافی در اختیار ارگانهای اجرایی قرار داد. بنابراین لایحه حدود ۴ میلیون نفر از مردان ۱۸ ساله و ۱۹ ساله امریکا بزرگ پرچم فرا خوانده می‌شوند. تا فرمانی از این دستور جرم جزایی شناخته می‌شود و ۵ سال زندان و ده هزار دلار جریمه به همراه دارد.

یونایتد پرس، ایالت تنسی پس از دوشب تظاهرات سیاه‌پوستان مقررات منع رفت و آمد شبانه در یکی از محله‌های سیاه‌پوست نشین ایالت تنسی اعلام شد. علت تظاهرات

تبرئه و آزادی دوتن از اعضاء گروه نژادپرست "کوکلاکس کلان" میباشد که بجرم تیراندازی به چهار زن سیاه پوست دستگیر شدند. چهارشنبه گذشته سیاه‌پوستان در حالی که شعار میدادند با مامورین پلیس به مقابله پرداختند و چندین ساختمان را به آتش کشیدند.

آمارهای که اخیرا از طرف موسسه آمارگیری "لوئیس هریس" در امریکا تهیه شده است، نشان میدهد که رانلد رگان کاندیدای حزب جمهوری خواه برای ریاست جمهوری امریکا به طرز فاحشی از جیمی کارتر جلوتر می‌باشد. طبق تحقیق و بررسی موسسه هریس ۶۱ درصد از کسانی که مورد سؤال این موسسه قرار گرفته‌اند به نفع رگان و ۳۳ درصد بفتح جیمی کارتر در انتخابات ماه نوامبر ریاست جمهوری رای خواهند داد. آمار قبلی این موسسه مربوط به سه هفته قبل از کنوانسیون حزب جمهوری خواه می‌باشد که نتیجه آن کاندیدای توری رگان بوده است. آمار قبلی نشان می‌داد که رگان از مجموعه آراء ۷۲ درصد آراء بیشتر از کارتر خواهد آورد.

امریکا می‌باشد. با شکست سیاست کمپ دیوید امیرالیسم امریکا و انفراد روزبه افزون صهیونیستهای اسرائیل، اسر قدرت شوروی از فرصت استفاده نموده و به جمع آوری متحدین پرداخته و تدارک برای جنگی را در این منطقه می‌بیند. رژیم حافظ اسد تا کنون بهترین متحد سوسیال امیرالیسم روسیه در این منطقه بوده است و یک نمونه منفی برای کلیه کشورهای خاور میانه و جنبش آزادی بخش فلسطین می‌باشد.

امیرالیسم متهاجم شوروی سیاست تعرضی خود را در آسیا در سه کانون: جنوب شرقی آسیا، افغانستان و خاور میانه متمرکز ساخته است و با یک برنامه از قبل تدوین شده کامیاب گام سیاست تجاوز کارانه خود را در این مناطق به پیش می‌برد.

ما بارها در طی مقالات مختلف این سیاست را افشاء نموده‌ایم. تنها راه حفظ امنیت و استقلال خلق و کشورهای منطقه از خطر سوسیال فاشیسم روسی را اتحاد و انجام درونی آنان، تمرکز قوا در زدن دشمنان اصلی و تدارک همه جانبه فرهنگی، سیاسی و نظامی با تکیه به نیروی مردمی و انسانی موجود در این کشورها می‌باشد.

رنجبر در میان مردم

ماه‌ای از شیراز: مردم از خط مشی رنجبر حمایت می‌کنند

دوستان عزیز رنجبر سلام. خسته نباشید. تجربه‌ای از فروش رنجبر در یکی از مناطق زحمتکش نشین شیراز دارم که میخواهم برایتان بنویسم تا در صورتیکه لازم بدانید در "رنجبر" جاب کنید. این تجربه یک نمونه دیگر از حقانیت خط مشی ما و استقبال توده‌های مردم از آن است. "در نزدیکی فلکه ارتش سوم مشغول فروش رنجبر بودم و به مغازه داران و رهگذران نزدیک میشدم و رنجبر را به آنها معرفی میکردم تا اگر خواستند بخرند. کتابک مغازه‌بغالی صاحب مغازه و یک نفر دیگر نشسته بودند. نزدیک آنها رفتم و گفتم: "روزنامه رنجبر بدم خدمتتون؟" مدتی خط مشی استقلال طلبانه و وحدت طلبانه نه شرقی - نه غربی رنجبر را برایشان توضیح دادم. مردی که بغل دست صاحب مغازه نشسته بود شروع به آسرازد گرفتن نمود مثلاً می‌پرسید که سردبیر چه کسی است و بعد که من توضیح میدادم شخص مهم نیست بلکه مهم خط مشی‌ای است که تبلیغ میکند او که می‌خواست ایراد بگیرد میگفت تو که

روبروستد اظهار داشتند سهریسی بیخود است". ما گفتیم که حتمارئیس جمهور هم بیخود آن بالا نشسته و تمام قوای انتظامی باید منحل شود تا کشور بدست شما قبضه شود!

مردم اطراف ما خواهان قطع درگیری بودند و از ما میخواستند تا با آنها درگیر نشویم. ماهم به مردم توضیح میدادیم که ما خواهان درگیری نیستیم اما در مقابل عناصر هرج و مرج طلبی، زنده‌باد اتحاد بزرگ ملی و نه آمریکا، ندروسیه، مرگ بر هرگسونه وابستگی" از آنجا دور شدیم.

رنجبر در میان مردم

سردبیر روزنامه رانمیشناسی چرا می‌فروشی؟ و بعد مرا تهدید کرد که در صورت آمدن دوباره به این خیابان مرا کتک می‌زند. من هم توضیح دادم که چون خط مشی ما از منافع خلق سر چشمه گرفته و حقانیت دارد و صحیح است، ماهیج هر کسی از هیچ کس نداریم و من هر وقت که خواستم به اینجا می‌ایم و روزنامه می‌فروشم. و حتی ساواک هم در زمان رژیم شاه نتوانست جلوی فعالیت ما را بگیرد.

در اینجا آن مرد که دید تهدیداتش اثری نکرد بلند شد تا مرا بزند و چند تا از روزنامه‌هایم را پاره کرد در این موقع مردم که در آن سر سواد جمع شده بودند همگی جلوی او را گرفتند و با توضیحاتی که من دادم آن مرد را بسختی منفرد کرده و مردم را با خودم هم عقیده نمودم. مردم هم همه از من پشتیبانی کردند و گفتند که هر وقت خواستی به اینجا بیا و هیچکس مانع کار تو نیست.

بهر حال با کمک مردم چند تا نجبری که سالم مانده بود فروختم و الان هر شماره رنجبر که می‌آید به آنجا میروم و می‌فروشم. آن مرد هم از آن به بعد در آنجا پیدایش نشد.

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

بانک ملی ایران
شعبه خیابان ایرانشهر
شماره حساب ۴۵۳۶۸

حزب توده دشمن جمهوری اسلامی ایران (۶)

واعظان تر «ابر قدرت دوست»

راه نه شرقی نه غربی ، راه استقلال و اتکا به نیروی خود برابر جهانخواران شرق و غرب و ستون اساسی انقلاب و جمهوری اسلامی است . جریاناتی مانند باند کهنوری ، هدفشان از جمله به این ستون استوار ، شکست انقلاب و وارگونی جمهوری اسلامی ایران است .

از آنان یاری بخواهند و گمان کنند که ترقیات این کشورهای ضعیف در گرایش به یکی از این دو ابر قدرت است . لیکن بهر طرف که تمایل پیدا کردند بعد از مدتی فهمیدند که آنها جزاسیر کردن اینها و بردن خزائن و غارت کردن مخازن آنها کار دیگری نمی کنند . (امام خمینی - مصاحبه با خبرگزاری بی بی سی ۵۷/۱۰/۱۹) در عوض تمام تلاش سران خائن حزب توده لوث کردن واقعیت وجود دو ابر قدرت و جدا کردن حساب روسیه از آمریکا و بالاخره آماده کردن زمینه برای وابستگی به روسیه است . آنان معنی " مانویستی و امپریالیستی " خواندن " تز دو ابر قدرت " ، ماهیت شعار نه شرقی نه غربی را زیر حمله قرار می دهند . البته خود اربابان سوسیال امپریالیست آقایان در مذاکرات دو طرفه خود با ابر قدرت رقیب ، بر سر تقسیم جهان ، به این ادعای نوکران پوزخند می زنند (رجوع کنید مثلا به جریان مذاکرات سالت) .

باند کهنوری از یک طرف ابر قدرت بودن ارباب را نفی کرده و از طرف دیگر دائم از یال و گوپال برادر بزرگتر ستایش کرده و قدرت عظیم جهانی آن را به عنوان " حاصی انقلاب بزرگ ایران " (روس نامه - ۲۹ آبان ۵۸) بر رخ می کشند . در واقع این باند از ته دل " ابر قدرت " بودن روسیه را قبول دارند و به طور ضمنی آن را تبلیغ می کنند اما می گویند آن را ابر قدرت خوب و دوستانه که می توان ویاید به آن متکی شد جلوه دهند . مثلا آنها مزورانه در مخالفت با لغو قرار داد ایران و شوروی (در کنسار قرار داد نظامی با آمریکا) چنین می گویند : " عهد نامه مودت ایران و شوروی سندی است ضد استعماری ، متضمن ، شناخت و تثبیت و تحکیم و تضمین حق حاکمیت ملی و استقلال نام و نظام ایران " (روس نامه مردم ۱۶ آبان ۵۸) آنها ادامه می دهند : " بر اساس همین عهد نامه تا کنون دو بار

یک بار در سال ۱۳۲۰ از جنگ آلمان هیتلری و بار دیگر در جریان انقلاب مردم ایران در برابر دولت آمریکا ، استقلال ایران از خطر تهاجم و تجاوز نجات یافته است . . . (روس نامه همانجا) . یعنی مانند ایام قدیم استعمار لازم است که این " ابر قدرت حاصی ما " استقلال میهنمان را که حاصل خون و میارزه توده های خلق ما است " تثبیت " و " تحکیم " سازد و در صورت لزوم با دخالت نظامی خود آن را " تضمین " کند ، درست مثل کاری که در افغانستان کرد ! و این است اوج جنایت و انقیاد طلبی این دشمنان تز دو ابر قدرت . با تمام تشبیهات این باندوارانه تز " یک ابر قدرت دشمن و یک ابر قدرت دوست " در برابر واقعیت " دو ابر قدرت " ، دست آنها در برابر توده های خلق ، رهبران جمهوری اسلامی و مبارزان راه انقلاب باز شده است . از جمله آقای بنی صدر رئیس جمهور دست ابر قدرت روسیه و " گرونی " را چنین رومی کنند : " چه کسی می تواند انکار کند که روسیه تمامی کوشش خود را به عمل می آورد تا ما را در این سرگرمی ها فرو برد تا با خیال راحت کار افغانستان را بسازد و بعد به سر وقت ما بیاید ؟ اگر کسی در این باره شک دارد خوبست در رفتار حزب توده و گروه های وابسته دیگر در دو سه روز گذشته دقت کند . " (روزنامه انقلاب اسلامی - ۵۸/۱۲/۱۹)

تنگراز دو ابر قدرت جهانخوار و لسزوم میارزه با آلمان و مزدوران داخلی شان با شعارهای " نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی " و " نه آمریکا نه روسیه ، زنده باد ایرانی مستقل و متکی بخود " در سطح وسیعترین توده های مردم پذیرفته شده است . امام در این مورد می گویند : " ما با یک ابر قدرتی در طرف غرب و یک ابر قدرتی در طرف شرق مواجه هستیم که هر دو اینها می خواهند ما را ببلعند . . . ما در مقابل اینها با کمال قاطعیت ایستاده ایم و اجازه نخواهیم داد که

هیچ قدرتی با ما مواجهه کند و تصرف در مقدرات ما کند . " (امام خمینی در اجتماع مردم چهاران - ۵۹/۲/۲۸) ایشان در برابر آرزوی امثال بانسد کهنوری در وابسته کردن ایران می گویند : " این آرزویست که ابر قدرتها باید به گور ببرند ، ایران اجازه نمی دهد که اینها در آن دخالت کنند . " (امام خمینی در دیدار با نمایندگان کنفرانس بررسی جنایات آمریکا - ۵۹/۲/۱۷) و مزدوری و وابستگی چون باند کهنوری را چنین وصف می کنند : " گروه هایی هستند وابسته به رژیم سابق ، گروه هایی هستند وابسته به آمریکا یا اچیان شوروی و شما باید با هوشیاری و تائید الهی توطئه های اینها را خنثی کنید . " دیگر رهبران استقلال طلب جمهوری اسلامی چون آقای بنی صدر و آیت الله منتظری نیز بر این نظردند : " انقلاب ما الگویی از همان نظام اسلامی است که نه روسی نه آمریکائی و نه شرقی و نه غربی و نه بین این دو تاست . " (بنی صدر - مصاحبه با رادیو تلویزیون الجزایر - روزنامه جمهوری اسلامی ۵۸/۱۱/۲۷) و " برای ما آمریکا و شوروی مطرح نیست ، اسلام مطرح است . فکر نکنند حالا که ما با آمریکا در جنگ هستیم در مقابل تجاوزات شوروی سکوت می کنیم . ما با هر کس که علیه امت اسلام و انسان ها قیام کند در نبرد هستیم . " (آیت الله منتظری - در نماز جمعه قم - ۵۹/۳/۳۰)

آگاهی توده های مردم به ماهیت دو ابر قدرت آمریکا و روسیه و وحدت فشرده آلمان در برابر تجاوزات ، تهدیدات و تطمیعات دو ابر قدرت بر اساس شی استقلال میهن مشیت محکمی است بر دهان دشمنان تز دو ابر قدرت و واعظان نظر " ابر قدرت دوست " . ما باز هم به افشای نظریات ضد خلقی دار و دسته خائن بانسد کهنوری در حزب توده خواهیم پرداخت .

دکتر یدالله سحابی:

ملیت و اسلام جدا از هم نیستند

بخشی از نیروی بالقوه و بالفعل انقلابی خود محروم میسازد ، در صف خلق تفرقه میاندازد و در نتیجه این نقصان ، به مجموعه انقلاب و منجمله به اسلام مبارز و انقلاب اسلامی نیز ضربه میزند .

ملی گرایی مترقی یک جریان تاریخی اجتماعی است و متعلق به عده های خاصی و یک حزب و گروه نمی باشد . این جریان بیان کننده بخش مهمی از آرمان استقلال طلبانه مردم ایران بوده و دارای سابقه روشن تاریخی است از اینرو نه میتوان آنرا بایک یورش به دست فراموشی سپرد و نه میتوان احساسات توده های مردم و رای تاریخ درباره گذشته این جریان را تغییر داد .

همه واقعیات زندگی و بویژه مشکلات عیدیه های که هم اکنون بنا آنها دست بگیریم نشان میدهند که انقلاب اسلامی تنها با یک عقیده ، یک جریان و یک طبقه به پیروزی نمیرسد . برای ادامه انقلاب به وحدت نیروهای استقلال طلب نیازمندیم . اتحاد بزرگ ملی ، مرکب از سه جریان تاریخی ، اسلام مبارز ، ملی گرایی مترقی ، و سوسیالیسم انقلابی برای تحقق سه اصل خلق : استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی عالی ترین بیان این وحدت است .

باعلم به لزوم این اتحاد ضرورت حیاتی آن برای حفظ دستاوردهای انقلاب ، باید یک جو سالم سیاسی و روابطی مبتنی بر احترام متقابل در میان این سه جریان تاریخی حکمفرما باشد و نه محیط ناسالم و مسمومی که در آن شیوه های برجسب زنی ، لجن برآکنی ، حقایق داری و . . . امکان هرگونه همکاری و وحدت را از میان ببرد . برای متحد شدن لازم است که بر نکات مثبت و مترقی تکیه گذاشت و نه در بند جوانب منفی ، و وحدت در چارچوب اتحاد بزرگ ملی ضرورت روزوکلید حل مشکلات است .

در این رابطه است که این گفته دکتر سحابی حقانیت دارد که : " بدهم توصیه میکنم اینقدر به یکدیگر بدبین نباشیم . همه دست بدست هم دهیم تا بتوانیم این جهاد راه نحو احسن پیش ببریم . انسان مبرا از خط نیست و مایاید صفات



مردم در مرگ شاه شادی کردند

خبر مرگ شاه خائن 'درد عسر روز یکشنبه بار دیگر لبخند را بر روی لبان مردم زحمتکش ورنج دیده همیمن مظاهر ساخت شاه، این چرتومه فساد و عامل اسارت ایران به زباله دان تاریخ سرنگون گردید و تنگ دیگری از صحنه جهان پاک شد.

مردم تهران با شنیدن خبر مرگ شاه مخلوع به خیابانها ریختند و به شادمانی پرداختند و بار دیگر خاطره شادی های مردم پس از گریختن شاه خائن تازه شد. خبرنگار 'رنجبر' نیز که شریک شادی و پایکوبی مردم در مرگ شاه خائن این عامل امپریالیسم آمریکا بود به میان آنها رفت و نظر آنها را در مورد این واقعه جویا شد. آقای محمد جلیلی که در سمره شهر آرا رنگ کار است میگوید: "بامرگ شاه، مملکت آزادتر شد و نوکرهاش هم دیگه نمی توانند خرابکاری بکنند، دوربری های هم دیگه ناامید شدند." پدر سالخورده ای که سالها ستم پدر و پسر خائن را کشیده است می گوید: "بنظر من آمریکا بخاطر ثروت شاه، او را گشته است."

مادری بی گناه چهارراه مرتضوی - نواب گذر می کند می گوید: "به جهنم، خلی خورشحالم، که یک سگ از میان مردم رفت." این مادر کفایت کرمانی نام دارد و ۶۳ ساله است میگوید: شاه خائن میخواست شوهرم را بکشد ولی ما مقاومت کردیم و نگذاشتیم این جنایتکار نقضش را عملی کند.

شهرزاد اسماعیل زاده که محصل است میگوید: "خلی احساس خوشحالی میکنم - تا خبر را شنیدم دویدم تو خیابانها و روزنامه فوق العاده را بین مردم بخش کردم - بامردن شاه خائن فکر میکنم که آمریکا دیگه واقعا هیچ غلطی نمیتواند بکند."

در خیابان قزوین نظر شوهر و انقی که تازه از دهات قزوین به تهران برگشته است را می پرسیم او که هنوز خبر را نشنیده بود، چشمانش برقی میزند و با خوشحالی می گوید: "آقا شاه از

تفاهم بقیه از صفحه اول

تلاش مشترک بروی باورهای مشترک سیاسی بوجود نیامده و در این راه اقدام محلی موتزی صورت نگرفته باشد چنین تفاهمی نمی تواند خارج از ذهن ما عینیت بیابد.

تفاهم نه بر پایه معیارهای اخلاقی مشترک بلکه علاوه بر آن بر پایه معیارهای سیاسی و برنامه های مشترک ایجاد می شود. این برنامه نیز به عقیده ما چیزی به جز بر آوردن خواست های توده مردم و انتظاراتی که از انقلاب دارند نیست. یعنی پیش از آنکه برنامه به منافع گروه های مختلف مربوط گردد باید به منافع مردم و مصالح مملکت مربوط باشد. در نتیجه تفاهمی که از آن صحبت می رود می بایست متکی به برنامه ای برای تحقق شعار استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی بوجود آید و از این شعارهای مردم سرچشمه گیرد و تابع آن گردد. در غیر این صورت نمی توان انتظار داشت که فوجی در کار مملکت ایجاد شود و گروهها که هر روز در اثر تقابل بر اساس این تعریفها نیز معتقدیم جامعه در حال حاضر محتاج

تفاهم است. دولت جدید در درون خود می بایست چنین تفاهمی را بوجود آورد و گذشته از آن این تفاهم را در همه سطوح جامعه اشاعه دهد و به جای چونا سالم کنونی که بی اعتمادی و یاس و ناامیدی را در میان مردم بوجود آورده است، جو تفاهم، اطمینان و امید به پیروزی را حاکم گرداند. این از مهمترین نیازهای است که شرایط کنونی کشور می طلبد.

اوضاع بحرانی است. انقلاب همه عوامل لازم برای پیروزی را در اختیار داشته اما نتوانسته از آن استفاده نماید. این عوامل که وحدت نیروها و پشتیبانی وسیع توده مردم مهمترین آنان است به طور آبدی در اختیار نخواهد بود هراستیاها گذشته از لطافات مستقیمی که به انقلاب وارد می آورد امکانات را نیز محدودتر می سازد. این روندی که چندینست آغاز شده دیگر پیشروی به جلو نیست، گام گذاردن در مسیر انحراف و سراسیمگی است. همه نیروها موظفند بطور مستقیم به سرنوشت انقلاب و آینده توده مردم بیاورند و به دور از گروه گراییها و تنگ نظریها انحرافات موجود را تصحیح نمایند و متحدان کشتی توفان - زده انقلاب را از میان توطئهها و اخلاقیهای دو ابر قدرت آمریکا و شوروی به ساحل نجات و سعادت برسانند.

مسئول کیست؟

نموده است.

آیا چه کسانی در کشور مسئول رسیدگی به این مسئله هستند؟ مردم می خواهند بدانند مطابق قانون چه کسانی مسئول پاسخگویی به دارو دسته مزدور و وطن فروش کیانوری هستند و طبق قانون ایراد چنین اتهامی به اعضا شورای انقلاب چه جرمی دارد؟

اینکه چه کسانی شرایط لازم را ایجاد کرده اند تا باند مزدور روسی کیانوری بخود جرات دهد تا به وزیر امور خارجه کشورمان چنین اتهاماتی وارد سازد.

برای مردم ما روشن است و در جونا سالمی که در حال حاضر بوجود آمده انتظاری غیر از این هم نمی رود. و این مزدوران روس بزودی حملات مستقیم خود را متوجه رئیس جمهور و دیگر شخصیت های جمهوری اسلامی نیز خواهند نمود اما مردم می خواهند بدانند این وضع تاکی ادامه خواهد یافت و بالاخره مقامات مسئول قضایی کی می خواهند باین وضع پایان دهند و جلسو تهمت زنی های شبانه روزی مزدوران روس و آمریکا را بگیرند.

ما خواستار رسیدگی فوری به این اتهام هستیم.

بیت المقدس اشغال شده خواستار بهبود اوضاع زندانیان در زندان نفحه یا انتقال آنها از این زندان صحرائی به زندان دیگری شدند. حبیب لیبوی مدیر زندان های صهیونیستی نیز در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که وضع جسمانی ۴۴ زندانی زندان نفحه بسیار بد است.

طبق آخرین اخبار رسیده از میان این زندانیان سیاسی بین ۲ تا ۶ نفر جان خود را از دست داده اند. به دنبال این حوادث مادران زندانیان سیاسی نیز به همراه فرزندان خود دست به اعتصاب غذا زده اند و مبارزه و مقاومت زندانیان و خانواده های آنها همچنان ادامه دارد.

روس نامه معلوم الحال "مردم" به نقل از روزنامه مجهول الهویه "گتی ادلوس" ترکیبه مدعی شده که آقای صادق قطب زاده وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با شاهپور بختیار آخرین وزیر شاه مخفیانه در سوئیس ملاقات کرده است.

روس نامه مردم در شماره یکشنبه پنجم مرداد ماه خود نوشته است: "صادق قطب زاده با بختیار جنایتکار و از سازماندهان کودتای ضد انقلابی علیه جمهوری اسلامی ایران در سوئیس ملاقات کرده است."

در این ملاقات مسئله سرنگونی جمهوری اسلامی ایران مورد بحث قرار گرفته است و شرکت کنندگان توافق کرده اند که برای همکاری ضد انقلابیون داخل و خارج ایران به منظور سرکار آوردن یک رژیم سرسپرده آمریکا تشریک مساعی کنند.

ادعای دارو دسته کیانوری علیه عضو شورای انقلاب جمهوری اسلامی که توسط امام خمینی اعضاء آن برگزیده شدند. ادعای ساده و پیش پا افتاده ای نیست. کیانوری و شرکا آقای قطب زاده را متهم به ارتباط با عوامل آمریکایی در تدارک کودتای آمریکایی در ایران

مقاومت قهرمانان... بقیه از صفحه اول

گزارشهای روز ۱۹ ماه جاری حاکی است که حال بسیاری از مبارزان به طور خطرناکی بر اثر اعتصاب غذا که وارد نهمین روز خود شده به وخامت گرائیده و نیروهای ارتش و پلیس صهیونیستی به دیوارهای زندان یورش برده و بعد از تخریب آن با باتوم و قنداق تفنگ با زندانیان درگیر شدند. گزارش ها حاکی است که مقامات زندان حاضر نشدند برادرانی را که وضع جسمانی آنها به شدت وخیم شده مورد معاینه پزشکی قرار دهند. خانواده های زندانیان زندان نفحه روز ۲۹ تیسر در یک کنفرانس مطبوعاتی با شرکت خانم فلیسیا لانگر وکیل یهودی ترقیخواه و مدافعان حقوق بشر در

